

هنگامی که وطن فروشی نام دلسوزی می گیرد؛

«خیانت»

در پوشش «ملی گرایی»

طرح نو؛ سردبیر
در دنیای امروز، تقریباً در همه کشورهای مستقل، از ایالات متحده گرفته تا فرانسه، از چین تا همین رژیم اسرائیل، اصل اساسی امنیت ملی بر یک اندیشه مشترک استوار است و آن این است که هیچ شهروندی حق ندارد از بیگانه برای آسیب رساندن به خاک، مردم یا زیرساخت‌های کشور خود یاری بخواهد. این اصل نه فقط یک الزام سیاسی، بلکه قاعده‌ای حقوقی و اخلاقی است که در قوانین بین‌المللی و داخلی ثبت شده است. در رژیم اسرائیل، کشوری که خود مملو از مباحث سیاسی و جناحی است، اگر شهروندی از دشمن خارجی برای حمله به خاکش حمایت کند، بی‌درنگ تحت پیگرد قضایی قرار می‌گیرد. در ایالات متحده نیز اصطلاح «خیانت به کشور» بار حقوقی بسیار سنگینی دارد و مجازات آن از زندان طولانی تا محرومیت از همه حقوق مدنی است.....

کودتا علیه سرمربی تراکتور

اسکوچیچ روی نیمکت، دلان در اتاق فرمان

حراج آبرو در کاسه گدایی؛ شهرت شهر بدون گدا در معرض خطر

طرح نو

روزنامه کثیرالانتشار

از عملکرد بازیکانم در الکلاسیکو راضی نبودم؛
انتقاد سرمربی مس سونگون؛
قانون برای همه
یکسان نیست

در صفحه ۳



دوشنبه ۲۷ بهمن ماه ۱۴۰۲ سال نوزدهم ۳۵۰۲ قیمت ۵۰۰۰ تومان

طرح نو تناقض اخلاقی در غرب را بررسی می‌کند:

از پرونده «اپستین» تا خطابه‌های حقوق بشری

طرح نو؛ سردبیر
پرونده جفری اپستین، سرمایه‌دار آمریکایی و یکی از چهره‌های بانفوذ محافل سیاسی و اقتصادی غرب، یکی از بزرگ‌ترین رسوایی‌های اخلاقی قرن بیست و یکم است. انتشار اسناد و بازجویی‌ها نشان داد که او سال‌ها، شبکه‌ای برای سوءاستفاده جنسی از دختران خردسال به وجود آورده بود؛ شبکه‌ای که به واسطه‌ی قدرت مالی و ارتباطات گسترده‌اش با سیاستمداران، چهره‌های دانشگاهی و حتی مقامات ارشد دولتی، در سکوت کامل ادامه یافت. با وجود شواهد فراوان، بخش بزرگی از رسانه‌های جریان اصلی در غرب تا زمان مرگ مشکوک اپستین (۲۰۱۹) ترجیح دادند فاصله بگیرند و اطلاعات را «مدیریت» کنند؛ نه برای روشن شدن حقیقت، بلکه برای جلوگیری از رسوایی در سطح حاکمیت. این پرونده تنها یک ماجرای شخصی یا جنایی نیست؛ بلکه نمادی از فساد اخلاقی سیستماتیک در لایه‌های قدرت سیاسی و اقتصادی آمریکاست. زمانی که گزارش‌هایی از پروازهای اختصاصی موسوم به Lolita Express منتشر شد، پروازهایی که ظاهراً برای انتقال قربانیان خردسال به جزیره خصوصی اپستین انجام می‌شد، سؤالی جدی این بود که چگونه ساختار قضایی و رسانه‌ای کشوری که خود را الگوی «عدالت و حقوق بشر» معرفی می‌کند، سال‌ها درباری چنین جنایاتی سکوت کرده است؟

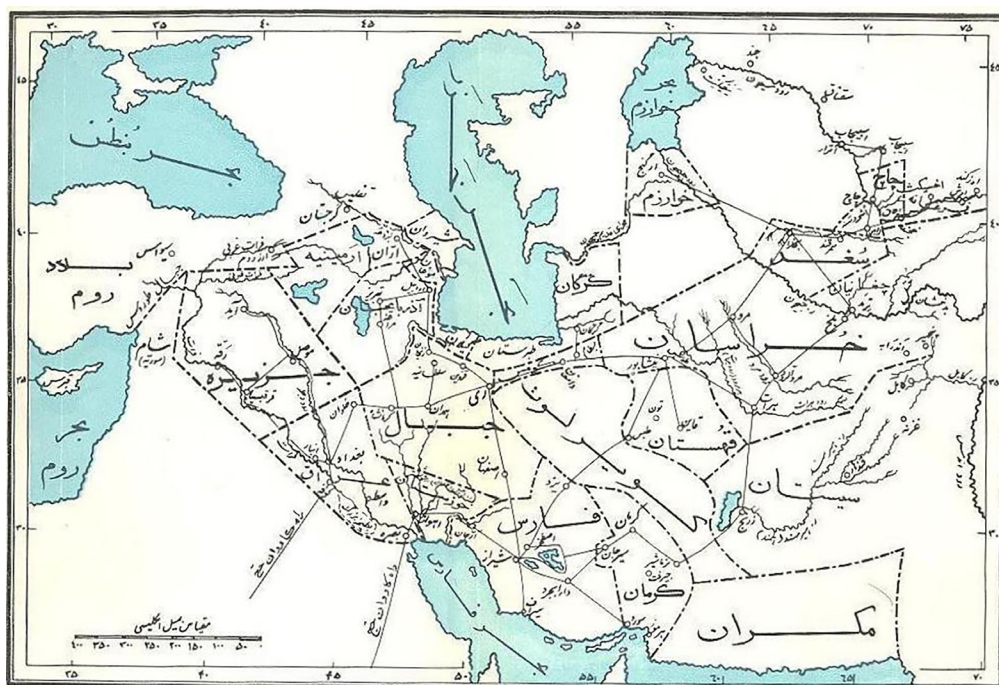
سکوت سیاسی در برابر فاجعه اخلاقی

بسیاری از نام‌های شناخته‌شده در سیاست آمریکا، از جمله اعضای حزبی در دولت‌های جمهوری خواه و دموکرات، در دوره‌های.....

با تاملی بر نوشته‌های «بار تولد» بررسی می‌شود:

«آذربایجان» واقعی کجاست؟

در صفحه ۶



باهم قهرمان شدیم

۴۷ سال شادی و غم کنار هم بودیم



درخواست بخش خصوصی از دولت؛ اول ثبات اقتصادی، بعد حمایت مالی



پیش‌تر در محدوده ۷۰ هزار تومان بود، اکنون به بالای ۱۳۰ هزار تومان افزایش پیدا کرده است. او ادامه داد: در چنین شرایطی، یکی از اساسی‌ترین و بزرگ‌ترین مشکلات بنگاه‌ها، بحث تامین مالی است. از یک‌سو سرمایه‌گذاری خارجی در عمل وجود ندارد و از سوی دیگر به دلیل تحریم‌ها امکان استفاده از ابزارهای رایج تجاری و مالی بین‌المللی برای بنگاه‌ها فراهم نیست.

این فعال اقتصادی تصریح کرد: حتی در برخی موارد، بنگاه‌ها ناچارند برای انجام مبادلات تجاری سپرده‌گذاری کنند تا بتوانند ارزش کلای صادراتی را به کشور بازگردانند. این وضعیت به منابع بیشتری نیاز دارد.

به اعتقاد عضو هیات نمایندگان اتاق ایران در حالی که بعضاً نرخ تامین مالی در بخش‌هایی که فعالیت اقتصادی مولد و بالایی دارند بسیار بالاست؛ اما در عمل بازدهی کافی ندارند. چرا که با وجود بالا بودن نرخ تامین مالی، نرخ بازده سرمایه در گردش پایین مانده و در نتیجه حاشیه سود بنگاه‌ها کاهش پیدا می‌کند و حتی در بسیاری موارد به سمت زیان حرکت می‌کند.

آرگون یکی از مشکلات اصلی بنگاه‌ها را تامین مالی دانست و گفت: حتی اگر امکان دریافت منابع هم وجود داشته باشد، با توجه به تورم بالا در بسیاری موارد توجه اقتصادی ندارد. او در ارتباط با مهم‌ترین عامل تضعیف نقدینگی بنگاه‌ها نیز گفت: به نظر من عامل اصلی، تورم است. واقعاً باید ریشه‌ها و علل منجر به تورم از بین برود. تا زمانی که شاهد تورم باشیم، تامین مالی پایدار ممکن نیست. اگر امسال با ۱۰۰ واحد پول بتوان ۱۰۰ واحد کالا به ۱۵۰ واحد پول نیاز خواهد بود. این یعنی سرمایه در گردش بنگاه‌ها به‌طور مداوم فرسوده می‌شود. از طرف دیگر، سرمایه‌گذار خارجی هم حضور ندارد و دولت نیز بخش قابل توجهی از منابع مالی موجود در بازار را از طریق انتشار اوراق جذب می‌کند. این موضوع فشار بیشتری بر منابع محدود مالی وارد می‌کند.

محدودیت دسترسی به ابزارهای مالی بین‌المللی باعث شده بنگاه‌ها برای نقل و انتقال پول یا بازگشت ارز صادراتی، منابع اضافی بلوکه کنند. در برخی موارد حتی سپرده‌گذاری برای انجام یک معامله ضروری شده است. این یعنی بخشی از سرمایه در گردش عملاً از چرخه تولید خارج می‌شود؛ سرمایه‌ای که می‌توانست صرف تولید شود، به وثیقه مبادله تبدیل می‌شود.

رقابت دولت و بخش خصوصی برای پول

عامل دیگری که فشار نقدینگی را تشدید می‌کند، رقابت دولت با بخش خصوصی در بازار پول است. زمانی که دولت برای جبران کسری بودجه به انتشار اوراق متوسل می‌شود، منابع محدود مالی به سمت دارایی‌های کم ریسک‌تر حرکت می‌کند. در چنین شرایطی بانک‌ها نیز ترجیح می‌دهند منابع خود را در مسیرهای کم ریسک‌تر تخصیص دهند. نتیجه، کاهش دسترسی بنگاه‌ها به منابع مالی و افزایش هزینه آن است. به بیان دیگر، تولیدکننده باید با دولت برای دسترسی به پول رقابت کند؛ رقابتی که طبیعتاً در آن بازنده است.

ارزیابی کمیسیون سرمایه‌گذاری اتاق ایران

در این خصوص عباس آرگون - عضو کمیسیون سرمایه‌گذاری و تامین مالی اتاق ایران - در گفت‌وگو با اتاق ایران، وضعیت بحرانی سرمایه در گردش بنگاه‌ها را تشریح و تأکید کرد: تورم بالا، نرخ تامین مالی سنگین و محدودیت‌های بین‌المللی، مسیر توسعه بخش خصوصی را دنیوار کرده است. او از دولت خواست ثبات اقتصادی ایجاد، تعامل با دنیا را تسهیل کند و امکان تامین مالی از مسیرهای متنوع را فراهم سازد.

عضو کمیسیون سرمایه‌گذاری و تامین مالی اتاق ایران در ارتباط با ارزیابی وضعیت سرمایه در گردش بنگاه‌ها گفت: تورمی که در کشور وجود دارد، یک طرف ماجراست. امروز با تورم ۵۰ تا ۶۰ درصدی مواجه هستیم. از سوی دیگر، نرخ ارز نیز جهش‌های جدی داشته است؛ دلار ترجیحی از ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان به حدود ۱۰۰ هزار تومان رسیده و دلار تالار اول که

طرح نو؛ گروه اقتصاد افزایش نرخ ارز، تورم مزمن و محدودیت‌های بین‌المللی، سرمایه در گردش بنگاه‌های اقتصادی را به نقطه بحرانی رسانده است؛ وضعیتی که به اعتقاد فعالان بخش خصوصی نه تنها سودآوری تولید را کاهش داده، بلکه در مواردی ادامه فعالیت اقتصادی را نیز فاقد توجیه کرده است. اکنون مطالبه اصلی بنگاه‌ها از دولت، نه صرفاً حمایت مالی، بلکه بازگشت ثبات به اقتصاد است.

افزایش هزینه تولید در اقتصاد ایران دیگر صرفاً یک روند تدریجی نیست، بلکه به یک شوک دائمی تبدیل شده است؛ شوکی که بیش از هر چیز سرمایه در گردش بنگاه‌ها را هدف گرفته است. موضوعی که در اظهارات عباس آرگون - عضو کمیسیون سرمایه‌گذاری و تامین مالی اتاق ایران - نیز به صراحت مورد تأکید قرار گرفت؛ اینکه بنگاه‌ها نه تنها برای توسعه بلکه حتی برای تداوم فعالیت با کمبود منابع مواجه‌اند. او معتقد است: ترکیب تورم بالا، جهش ارزی و نرخ‌های سنگین تامین مالی، ساختار اقتصادی بنگاه‌ها را به‌هم ریخته است؛ به گونه‌ای که تولیدکننده امروز بیشتر درگیر تامین نقدینگی است تا افزایش بهره‌وری.

تورم چگونه تولید را می‌بلعد؟

اقتصاد ایران سال‌هاست با تورم مزمن زندگی می‌کند، اما آنچه اکنون رخ داده تغییر ماهیت این تورم است. بنگاه‌ها دیگر با تورم به‌عنوان یک متغیر قابل پیش‌بینی مواجه نیستند؛ بلکه با تورمی رو به رو هستند که به‌طور مستمر سرمایه در گردش را کوچک‌تر می‌کند.

در ساده‌ترین بیان اقتصادی، سرمایه در گردش همان پولی است که بنگاه با آن مواد اولیه می‌خرد، تولید می‌کند و محصول را به فروش می‌رساند. اما وقتی قیمت‌ها در یک سال ۵۰ تا ۶۰ درصد رشد می‌کند، همان میزان تولید سال قبل به منابعی بسیار بیشتر نیاز دارد. نتیجه این فرآیند، کاهش واقعی ظرفیت تولید حتی بدون تعطیلی کارخانه است. در چنین فضایی سود اسمی می‌تواند مثبت باشد، اما سود واقعی منفی می‌شود. یعنی بازمانده ظاهراً فعالیت می‌کند، اما در واقع فقیرتر می‌شود. این همان نقطه‌ای است که تولید به تدریج از صرفه اقتصادی خارج می‌شود.

جهش ارزی؛ از بحران هزینه تا بحران نقدینگی

افزایش نرخ ارز تنها هزینه واردات را بالا نمی‌برد، بلکه ساختار مالی بنگاه‌ها را نیز تغییر می‌دهد. جهش چند برابری نرخ ارز باعث شده ارزش موجودی انبار، مواد اولیه و حتی بدهی‌های جاری تغییر کند. پیامد مهم‌تر این است که دوره گردش پول طولانی‌تر می‌شود. تولیدکننده باید امروز مواد اولیه را با قیمت بسیار بالاتر خریداری کند، اما فروش محصول به همان سرعت افزایش نمی‌یابد. بنابراین فاصله زمانی بین هزینه و درآمد افزایش پیدا می‌کند و این همان نقطه‌ای است که بنگاه به سرمایه در گردش بیشتری نیاز دارد.

تحریم‌ها و محدودیت تعامل مالی؛ هزینه پنهان تجارت مشکن نقدینگی فقط ناشی از متغیرهای داخلی نیست.

سیاست

طرح نو تناقض اخلاقی در غرب را بررسی می‌کند:

از پرونده «اپستین» تا خطابه‌های حقوق بشری

استراژی انحراف اخلاقی؛ ابزار سیاسی حقوق بشر

پرونده اپستین نشان داد که چگونه مفهوم «حقوق بشر» در سیاست خارجی آمریکا به ابزاری برای فشار ژئوپلیتیکی تبدیل شده است. نه به یک اصل اخلاقی جهان‌شمول. وقتی سخنگویان وزارت خارجه ایالات متحده از «حقوق زنان ایرانی» حرف می‌زنند، واقعاً از چه سخن می‌گویند؟ اگر در داخل نظام خودشان، عدالت در برابر تجاوز به کودکان و بهره‌کشی جنسی از انسان‌ها ناتوان است، سخن گفتن از آزادی و عدالت در آن سوی جهان چه معنا دارد؟ اینجا دیگر موضوع، تقابل سیاسی نیست؛ بلکه مسئله‌ای درباره‌ی صداقت اخلاقی و اعتبار ادعاهای غرب درباره‌ی حقوق بشر است. نمی‌توان از جامعه‌ای که در آن میلیاردری با پشتیبانی سیاسی، شبکه سوءاستفاده از دختران تشکیل می‌دهد و سال‌ها از چشم قانون پنهان می‌ماند، انتظار داشت آموزگار اخلاق و عدالت جهانی باشد.

اما یکی از ابعاد قابل توجه در پرونده اپستین، نقش رسانه‌های بزرگ در حفاظت از هرم قدرت است. اسنادی که در سال‌ها بعد منتشر شد، نشان می‌دهد چندین رسانه آمریکایی از دهه ۲۰۰۰ میلادی اطلاعاتی از رفتارهای او داشتند، اما گزارش را منتشر نکردند. وقتی خبرنگاری در یکی از شبکه‌های آمریکایی گفت که گزارشش درباره‌ی اپستین توسط سردبیران به دلیل «فشار بالا» لغو شد، تصویر روشن‌تری از عملکرد سیستم رسانه‌ای غربی شکل گرفت؛ سیستمی که اغلب خود را نماد آزادی بیان معرفی می‌کند، ولی در برابر فساد درون قدرت، سکوت اختیار می‌کند.

تناقض تبلیغاتی و بی‌اعتباری اخلاقی

از این منظر، سخنان سیاستمداران آمریکایی درباره‌ی وضعیت زنان در ایران، جلوه‌ای از همان تناقض تبلیغاتی است. ادعای دفاع از حقوق زنان در کشورهای مستقل، در حالی که در داخل خود با بی‌عدالتی و بهره‌کشی از دختران و زنان مواجه‌اند، نه فقط ریاکاری سیاسی است، بلکه بی‌اعتبارسازی کامل مفهوم «حقوق بشر غربی» محسوب می‌شود. این رفتار، از نگاه بسیاری از پژوهشگران روابط بین‌الملل، نشانه‌ی «دوگانگی اخلاقی» است؛ یعنی تبدیل ارزش‌های انسانی به ابزار فشار سیاسی.

در مقابل، ملت ایران طی دهه‌های گذشته بارها نشان داده است که در حوزه حقوق اجتماعی و کرامت انسانی، مسیر اصلاح را از درون جامعه خود دنبال می‌کند، نه از نسخه‌های سیاسی صادرشده از بیرون. تجربه اپستین و پرونده‌های مشابه در غرب، یادآور این نکته است که سخن گفتن از حقوق زنان، تا زمانی که بر پایه احترام واقعی به انسان و عدالت باشد معنا دارد، نه به عنوان ابزار سیاسی برای تخریب دیگر ملت‌ها.

طرح نو؛ سردبیر

پرونده جفری اپستین، سرمایه‌دار آمریکایی و یکی از چهره‌های بانفوذ محافظ سیاسی و اقتصادی غرب، یکی از بزرگ‌ترین رسوایی‌های اخلاقی قرن بیست‌ویکم است. انتشار اسناد و بازجویی‌ها نشان داد که او سال‌ها، شبکه‌ای برای سوءاستفاده جنسی از دختران خردسال به وجود آورده بود؛ شبکه‌ای که به واسطه‌ی قدرت مالی و ارتباطات گسترده‌اش با سیاستمداران، چهره‌های دانشگاهی و حتی مقامات ارشد دولتی، در سکوت کامل ادامه یافت. با وجود شواهد فراوان، بخش بزرگی از رسانه‌های جریان اصلی در غرب تا زمان مرگ مشکوک اپستین (۲۰۱۹) ترجیح دادند فاصله بگیرند و اطلاعات را «مدیریت» کنند؛ نه برای روشن شدن حقیقت، بلکه برای جلوگیری از رسوایی در سطح حاکمیت.

این پرونده تنها یک ماجرای شخصی یا جنایی نیست؛ بلکه نمادی از فساد اخلاقی سیستماتیک در لایه‌های قدرت سیاسی و اقتصادی آمریکاست. زمانی که گزارش‌هایی از پروازهای اختصاصی موسوم به Lolita Express منتشر شد، پروازهایی که ظاهراً برای انتقال قربانیان خردسال به جزیره خصوصی اپستین انجام می‌شد، سؤالی جدی این بود که چگونه ساختار قضایی و رسانه‌ای کشوری که خود را الگوی «عدالت و حقوق بشر» معرفی می‌کند، سال‌ها درباره‌ی چنین جنایاتی سکوت کرده است؟

سکوت سیاسی در برابر فاجعه اخلاقی

بسیاری از نام‌های شناخته‌شده در سیاست آمریکا، از جمله اعضای حزبی در دولت‌های جمهوری‌خواه و دموکرات، در دوره‌های مختلف روابط دوستانه با مالی با اپستین داشته‌اند. برخی در جلسات شرکت کرده، برخی از کمک‌های مالی او بهره بردند، و بعضی در تصاویر و فهرست‌های پروازهای دیده می‌شوند. اگرچه بسیاری از این ارتباط‌ها به‌صورت غیرمستقیم و بدون اثبات اتهام جنایی است، اما حجم و دامنه‌ی آنها نشان می‌دهد که مرز میان سیاست، ثروت و فساد اخلاقی در نظام قدرت غربی بسیار باریک است.

در این میان، تناقض آشکار زمانی بروز می‌کند که همین سیاستمداران یا نهادهای وابسته به آنان، با چهره‌ای اخلاق‌مدار در جهان ظاهر می‌شوند و درباره‌ی «حقوق زنان در ایران» یا «آزادی دختران در خاورمیانه» سخنرانی می‌کنند. آنان در برابر دوربین‌های بین‌المللی، از لزوم حمایت از زنان ایرانی سخن می‌گویند، درحالی که در کشور خودشان، قربانیان خردسال پرونده‌ی اپستین ده‌ها برای ششده شدن صدایشان مبارزه کردند و اغلب با بی‌توجهی نهادهای عدالت‌محور مواجه شدند.

سر مقاله

هنگامی که وطن فروشی نام دلسوزی می‌گیرد؛

«خیانت» در پوشش «ملی‌گرایی»



یا همدستی با دشمن است. حتی در همان کشورهایی که این افراد به آنها پناه برده‌اند، اگر روزی چنین رفتار را علیه خاک آن کشور تکرار کنند، هیچ دستگاه قضایی از آنان به عنوان «فعال سیاسی» نام نمی‌برد بلکه عنوان «همکار دشمن» بر پیشانی‌شان ثبت می‌شود. متأسفانه تناقض در اینجاست که اینان قوانینی را که در وطن خود رعایت نمی‌کنند، در کشور میزبان مقدس می‌دانند. آنان می‌دانند که اگر فردی آمریکایی از دشمنی خارجی بخواهد پایگاه‌های آمریکا را بمباران کند،

طرح نو؛ سردبیر در دنیای امروز، تقریباً در همه کشورهای مستقل، از ایالات متحده گرفته تا فرانسه، از چین تا همین رژیم اسرائیل، اصل اساسی امنیت ملی بر یک اندیشه مشترک استوار است و آن این که هیچ شهروندی حق ندارد از بیگانه برای آسیب رساندن به خاک، مردم یا زیرساخت‌های کشور خود یاری بخواهد. این اصل نه‌فقط یک الزام سیاسی، بلکه قاعده‌ای حقوقی و اخلاقی است که در قوانین بین‌المللی و داخلی ثبت شده است. در رژیم اسرائیل، کشوری که خود مملو از مباحث سیاسی و جناحی است، اگر شهروندی از دشمن خارجی برای حمله به خاکش حمایت کند، بی‌درنگ تحت پیگرد قضایی قرار می‌گیرد. در ایالات متحده نیز اصطلاح «خیانت به کشور» بار حقوقی بسیار سنگینی دارد و مجازات آن از زندان طولانی تا محرومیت از همه حقوق مدنی است. فی الواقع هیچ حکومت و ملتی نمی‌تواند شهروندی را بپذیرد که دست خود را برای ویرانی خانه‌اش به سوی دشمن دراز کند!!

با این حال، در سال‌های اخیر پدیده‌ای تلخ و تأسف‌آور در میان برخی از مدعیان «ملی‌گرایی ایرانی» در فضای خارج از کشور رخ داده است. کسانی که خود را دلسوز ایران و ایرانی معرفی می‌کنند، زیر پرچم‌هایی چون «سلطنت‌طلب»، «خلق‌دموکرات»، «جبهه آزادی» و «سلطنت‌طلب»، حمله به خاکش حمایت کند، بی‌درنگ تحت پیگرد قضایی قرار می‌گیرد. در ایالات متحده نیز اصطلاح «خیانت به کشور» بار حقوقی بسیار سنگینی دارد و مجازات آن از زندان طولانی تا محرومیت از همه حقوق مدنی است. فی الواقع هیچ حکومت و ملتی نمی‌تواند شهروندی را بپذیرد که دست خود را برای ویرانی خانه‌اش به سوی دشمن دراز کند!!

نقد دولت، مطالبه عدالت، و دفاع از حقوق مردم وظیفه هر شهروندی است

آنچه امروز بیش از هر زمان دیگر نیاز داریم، تمایز میان اعتراض مشروع و خیانت پنهان است. نقد دولت، مطالبه عدالت، و دفاع از حقوق مردم وظیفه هر شهروندی است؛ اما دعوت دشمن به حمله، عبور از خط قرمز اخلاق و قانون است. تفاوت منتقد وطن‌دوست با خائن وطن‌فروش در همین مرز باریک مشخص می‌شود که منتقد، از درون کشور و با عشق به خاک، به اصلاح می‌اندیشد؛ خائن اما از پشت مرزها، با نفرت و طمع، به نابودی وطن کمک می‌کند.

در قوانین جهان، هويت ملی یک تعهد است نه شعار. کسی که از خارج از مرزها در پی ویرانی خانه خود است، از دید قانون همان کشوری که در آن به سر می‌برد، مجرم است؛ چون حمایت از اقدام خصمانه علیه هر دولت، از جمله دولت متبوع خود، جرم تلقی می‌شود. هیچ دادگاه و هیچ عقل متبوع نمی‌تواند رفتار این افراد را جز به عنوان خیانت تعبیر کند. برچسب‌های فریبنده‌ای چون «دموکراسی‌خواهی»، «سلطنت‌طلبی»، یا «ایران‌دوستی» نمی‌تواند این واقعیت را بپوشاند که مردی که از دشمن بخواهد به کشورش حمله کند، نه دلسوز، بلکه وطن‌فروش است.

ملی‌گرایی واقعی، در صیانت از مردم و خاک معنا می‌یابد، نه در دعوت به بمباران و تخریم. دلسوزی حقیقی، ایستادن کنار ملت در سختی‌هاست، نه تماشای رنج آنان از ساحل امن غرب. وطن، خانه‌ای است که اگر آتش گرفت، نیست باید آن را خاموش کرد، نه به دشمن نشان داد از کدام سو بهتر می‌سوزد. آثانی که امروز با شعار «نجات ایران» در پی نابودی ایران‌اند، دیر یا زود در صفحه تاریخ با همان عنوانی ثبت خواهند شد که قانون برایشان در نظر گرفته است؛ یعنی حامی دشمن، نه دلسوز وطن!!

همان روز بازداشت می‌شود؛ اما وقتی نوبت به ایران می‌رسد، دعوت به جنگ و تحریم را نشانه روشنفکری می‌خوانند.

در ظاهر، شعارشان وطن‌دوستی و آزادی ایران است، اما زیر پوست این فریادها، منافع شخصی پنهان است. حمایت از دشمن برای حمله نظامی یا تشدید فشار اقتصادی علیه مردم ایران نه به سود وطن است و نه به سود اصلاح. تحریم، بیمار را درمان نمی‌کند؛ بلکه استخوان‌های ملت را می‌شکند. هر ایرانی که تجربه سال‌های اخیر را لمس کرده، می‌داند رنج تحریم‌ها فقط گریبان مردم عادی را گرفته، نه صاحبان قدرت یا سرمایه. آن که از آن سوی جهان خواهان افزایش این فشارهاست، نه از جنس مقاومت مدنی سخن می‌گوید و نه از وجدان ملی. او در واقع معامله‌گری است که از درد ملت، سرمایه شخصی می‌سازد.

این بازی خطرناک، پیش از آن‌که سیاسی باشد، اخلاقی است. هیچ دلسوز واقعی وطن، برای گلستان شدن خانه‌اش از دیگری نمی‌خواهد که آن را ویران کند. هیچ آزادی‌خواهی بر خاک سوخته و زیرساخت نابودشده، بنایی از عدالت برپا نمی‌کند. این افراد می‌کوشند در سایه‌ی شعارهای پرزرق و برق «نجات ایران»، احساسات بخشی از مردم را تحریک کنند تا بقای سیاسی و مالی خود را تضمین نمایند. آنان نه ملی‌گرا هستند، نه آزادی‌خواه؛ فقط تاجران‌اند که بازار کارشان با التهاب و تحریم گرم‌تر می‌شود.

کودتا علیه سرمربی تراکتور

اسکوچیچ روی نیمکت، دلان در اتاق فرمان



چیدن سناریویی هستند تا این مربی موفق را به سمت درهای خروجی هدایت کنند؛ پروژه‌های خطرناک که هدفش چیزی جز نابودی موفق‌ترین تیم تاریخ تراکتور نباشد. چیزی جز یک اعتراض علنی و نشانه‌ای از گسست عمیق میان سرمربی و بدنه مدیریتی باشگاه نیست. اسکوچیچ که ثابت کرده اهل باج دادن نیست، حالا

طرح‌نو؛ حمیدرضا سامبرانی جریان تراکتور با اسکوچیچ در حالی که روزهای باریک خود کشیده می‌شود که نام یک دلان در این تیم بیش از پیش به گوش می‌رسد و باشگاه به دنبال خودکشی استراتژیک نزدیک می‌شود. در تاریخ پرفراز و نشیب باشگاه تراکتور، مربیان بزرگی آمدند و رفتند، اما شاید هیچ‌کدام به اندازه دراگان اسکوچیچ نتوانستند به این سرعت، نظم تاکتیکی و روحیه پیروزی‌طلبی را در کالبد تراکتور بدمند. اسکوچیچ امروز تنها یک سرمربی نیست؛ او معمار تراکتوری است که حالا نه تنها زیبا بازی می‌کند، بلکه با اقتدار امتیاز جمع می‌کند و به اذعان بسیاری از کارشناسان، با کیفیت‌ترین و هماهنگ‌ترین نسخه تاریخ تراکتور را روانه میدان کرده است. اما درست در روزهایی که همه هواداران یکصدا و همدل پشت اسکوچیچ ایستاده‌اند، در لایه‌های پنهان و دست‌های پشت پرده تصمیم‌گیری، جریان مسموم در حال شکل‌گیری است؛ زمزمه‌هایی که از وضعیت باشگاه به گوش می‌رسد، نشان از یک توطئه دارد؛ جریان به سرکردگی دلان پرنفوذ که گویا منافع شخصی‌اش در تضاد با ثبات و موفقیت تراکتور قرار گرفته است. در حالی که اسکوچیچ با تکیه بر دانش فنی خود تراکتور را به اوج رسانده، دست‌های نامرئی در حال

بانو «حسین زاد» در راه بزرگان والیبال ایران زمین



طرح‌نو؛ یونس نهاری دیار ستارخان و باقرخان همیشه و در همه حال در اکثریت رشته‌های ورزشی یک پای قطب اول بشمار رفته است با توجه به افت ورزش این مرز و بوم در رشته‌های ورزشی در دو و سه سال اخیر، ولی بازم کشور عزیز ایران همچنان استوار و اقتدار در میادین مختلف ورزشی نگاهها را به خود خیره میکند در این دیار قهرمان پرو و پر از استعداد همچنان ورزشکاران کشف و شکوفا میشود که سالها برای ورزش و تیم ملی مفید و تاثیر گذار بشمار می‌آید یکی از این استعداد های شکوفا شده به نام آیلا حسین زاد بانوی بلند قامت و خوش استیل والیبال بشمار می‌آید این والیبالیست با آتیه و قهار در دو سال اخیر با طی کردن پله‌های ترقی هر روز بهتر از دیروز تمامی نگاهها را به سوی خود جلب میکند آیلا حسین زاده در تیم‌های مختلف در پست سرعتی زن این روزهای عصای دست مربی تیم والیبال منافی تبریز می‌باشد سرعتی زن با استعداد و با آتیه دیار ستارخان و باقرخان با این درخشش بی نظیر در لیگ بانوان و دختران حالا سخت مورد توجه باشگاههای مختلف از جمله مقاومت شهرداری و تیم‌های تهرانی قرار گرفته است بازیهای عالی و مثالزدنی آیلا حسین زاد حالا باعث شده تا کادر فنی تیم ملی این روزها سرعتی زن تیم منافی را سخت زیر ذره بین خود برای دعوت به اردوی تیم ملی زیر ۱۸ سال قرار دهد این والیبالیست با استعداد با حمایت‌های همه‌جانبه خانواده خود به ویژه پدر و مادرش می‌خواهد با درخشش و استعداد خود پیراهن بهترین تیم والیبال ایران و تیم ملی را بر تن کند آیلا حسن زاده فعالیت خود را از سال ۹۸ آغاز کرده و کسب اولین مدال هم در تیم‌های تبریز به ارمغان بیاورد وی با درخشش‌های پیاپی توتست در سال جاری هم مدال زرین طلا را با تیم والیبال منافی به گردن انداخت و حالا با روحیه مضاعف می‌خواهد با این روند پیراهن تیم ملی و یکی باشگاههای معتبر والیبال کشورمان را بر تن کند وی در کنار ورزش در تحصیل هم موفقیت و یکی از بهترینها به حساب می‌آید و از تلاش و زحمات تمامی مربیان خود در طول این چند سال نهایت تقدیر و تشکر را دارد

طرحی نوآورانه برای آینده ورزش ایران



طرح‌نو؛ گروه ورزش مدیرکل ورزش و جوانان آذربایجان شرقی گفت: طرح ملی استانی «پارانه ورزشی جوانان» طرحی نوآورانه برای آینده ورزش ایران در جهت از بین بردن شکاف میان استعداد و امکانات و کاهش هزینه‌های سبده هزینه ورزش در خانواده و حمایت از استعدادها و قهرمانان استان خواهد بود. حبیب مقصودی در نشست تخصصی هیات تکراندو استان با بیان اینکه در سال‌های اخیر مشارکت ورزشی کودکان نونهالان و نوجوانان بنا به دلایل اقتصادی کاهش یافته است و این یک تهدید جدی است، گفت: هدف از اجرای طرح

اول خانواده‌ها برای تربیت جسمی و روحی فرزندانمان تبدیل کنیم. وی در این نشست بر تهیه شناسنامه تکراندو استان، توجه به تکراندو بانوان، استعدادیابی، توجه به تکراندو در شهرستانها بر اساس آمایش سرزمینی، میزبانی اردوی های تیم ملی، آسیب شناسی عدم نتیجه‌گیری و توسعه باشگاههای تکراندو در سطح استان تاکید کرد. منصور قربانی معاون امور ورزشی اداره کل ورزش و جوانان استان آذربایجان شرقی در این نشست گفت: تکراندو آذربایجان شرقی زیر ذره بین و پایش عملکردی است چرا که یکی از امیدهای کسب مدال در بازیهای آسیایی ناگویا ژاپن، تکراندو آذربایجان شرقی خواهد بود. وی اظهار کرد: نگاه ما به تکراندو در شهرستان‌ها نگاه توسعه‌ای است و استعدادهای بالایی در شهرستان‌ها نهفته است که با برنامه ریزی می‌توان آنها را شناسایی و شکوفا کرد. معاون امور ورزشی اداره کل ورزش و جوانان استان آذربایجان شرقی گفت: برگزاری اردوهای تیم ملی تکراندو و میزبانی مسابقات بین‌المللی، نقشی مهم در تقویت تکنیک و تاکتیک ورزشکاران و مربیان دارد و قهرمان‌پروری در شهرستانها دارد و استعدادهای خوبی در این استان وجود دارد که برگزاری اردوی تیم ملی در این استان نقشی مهم در ارتقای داشته‌های ورزشکاران و مربیان استان دارد. در این نشست تخصصی رضا نوری رییس هیات تکراندو آذربایجان شرقی گزارشی از عملکرد هیات در حوزه‌های مختلف را در طول سال جاری اعلام کرد.

از عملکرد بازیکنانم در الكلاسیکو راضی نبودم؛

انتقاد سرمربی مس سونگون؛ قانون برای همه یکسان نیست



بازیکنان ما «سر خود» پاورلی کرد
سرمربی مس سونگون در مورد درگیری لفظی خود با رستمی‌ها، دروازه‌بان تیمش گفت: این بازیکن ما با تصمیم خودش پاورلی (بازی پنج نفره) انجام داد که سر او داد کشیدیم و متأسفانه روی همین صحنه گل خوردیم.

ملی‌پوشان گیتی‌پسند در شرایط بازی بودند
افضل درباره تأثیر فینادی بهمین در دیدار با گیتی‌پسند تصریح کرد: هفت ملی‌پوش گیتی‌پسند در جام ملت‌های آسیا به میدان رفتند و در شرایط بازی قرار داشتند. از مس سونگون اما رستمی‌ها و مهدی‌خانی فرصت زیادی برای بازی کردن پیدا نکردند و عظمتی کم و بیش بازی می‌کرد. روحیه بازیکنان گیتی‌پسند بالا بود و آنها راحت‌تر بازی می‌کردند.

نمی‌توانیم بگوییم گیتی‌پسند حتماً قهرمان می‌شود
وی در مورد سرنوشت قهرمانی لیگ برتر فوتسال طی سه هفته پایانی خاطرنشان کرد: در سه هفته پایانی اتفاقات زیادی می‌افتد و اینگونه نیست که بگوییم گیتی‌پسند حتماً قهرمان می‌شود. گهر زمین هم چهار امتیاز با صدر جدول فاصله دارد و مدعی قهرمانی محسوب می‌شود. امیدوارم بازی‌های آینده را ببریم و منتظر نتایج سایر تیم‌ها باشیم.

بر سر این نیست که بازیکنی باشد یا نباشد. یکسان نبودن قوانین برای همه تیم‌ها اتفاق خوبی نیست. کسانی که بالادست هستند، مسئولیت سنگینی دارند و باید بدانند همه باشگاه‌ها در فوتسال هزینه می‌کنند.

بازیکنان را دیرتر به تیم ملی دادند تا امتیاز بگیرند
افضل با اشاره به اقدام گیتی‌پسند، پیش از شروع اردوی تیم ملی عنوان کرد: آن باشگاه، بازیکنانش را یک روز دیرتر به تیم ملی می‌دهد تا امتیاز بگیرد و این مسئله تأثیرگذار است. امیدوارم این موارد برطرف شود و حق به‌حق‌دار برسد. در دیدار ما مقابل گهر زمین اتفاقی کوچک افتاد و بازیکن خارجی مس مشکلی ایجاد کرد. البته او نه لگد زد و نه فحاشی کرد، اما سه جلسه محروم شد.

خوشایند نیست که محرومیت یک بازیکن در زمان تعطیلی لیگ سپری شود
وی در ادامه اظهارات خود خاطرنشان کرد: بازیکن دیگر (رفیعی‌پور) حرکات بدتری انجام داد و زد و داغان کرد! خوشایند نیست بازیکنی در ماه محروم شود که حدود یک ماه از آن در تعطیلی لیگ سپری شود! با این حال می‌توانستیم خیلی بهتر از این باشیم و تمرکزمان بهم ریخت.

طرح‌نو؛ گروه ورزش سرمربی تیم فوتسال مس سونگون ورزشکاران از آرای تبعیض‌آلود کمیته انضباطی انتقاد کرد. علیرضا افضل درباره شکست مس سونگون در الكلاسیکو فوتسال ایران گفت: بازی زیبایی بود و گل‌های زیادی رد و بدل شد. تماشاگران از مسابقه لذت بردند، اما از لحاظ فنی برای ما خوب نبود. بازیکنان ما زحمت کشیدند، اما تمرکز لازم را نداشتند و از آنها راضی نبودم.

داور می‌خواست در روز تولدش خداحافظی کند و تمرکز نداشت
وی در مورد دلیل نبود تمرکز میان نارنجی‌پوشان تصریح کرد: حاشیه‌های قبل از بازی، تمرکز بازیکنان را بهم ریخت. وحید سلیمانی از داوران خوب ماست، اما می‌توانست بهتر از این عمل کند. او در روز تولد خودش از داوری خداحافظی می‌کرد و تمرکز لازم را نداشت. می‌توانستند قضاوت یک مسابقه معمولی را به سلیمانی بدهند؛ نه بازی تیم‌های صدرنشین را!

یکسان نبودن قوانین برای تیم‌ها اتفاق خوبی نیست
سرمربی مس سونگون درباره بخشیده شدن علیرضا رفیعی‌پور بازیکن گیتی‌پسند پیش از بازی دو تیم اظهار داشت: بحث

شعر

علی ای همای رحمت



علی ای همای رحمت، تو چه آیتی خدا را که به ماسوا فکندی همه سایه هما را دل اگر خدانشناسی، همه در رخ علی بین به علی شناختم من به خدا قسم خدا را به خدا که در دو عالم اثر از فنا نماند چو علی گرفته باشد سر چشمه بقا را مگر ای سحاب رحمت تو بیاری ارنه دوزخ به شرار قهر سوزد همه جان ماسوا را برو ای گدای مسکین در خانه علی زن که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را بجز از علی که گوید به پسر که قاتل من چو اسیر توست اکنون به اسیر کن مدارا بجز از علی که آرد پسری ابوالعجائب که علم کند به عالم شهادی کربلا را چو به دوست عهد بندد ز میان پاکبازان چو علی که می‌تواند که به سر برد وفا را نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت متحیرم چه نامم شه ملک لافتی را به دو چشم خون فشانم هله ای نسیم رحمت که ز کوی او غباری به من آر توتیا را به امید آن که شاید برسد به خاک پایت چه پیامها سپردم همه سوز دل صبا را چو تویی قضای گردان به دعای مستمندان که ز جان ما بگردان ره آفت قضا را چه زخم چو نای هر دم ز نوای شوق او دم که لسان غیب خوشتر بنوازد این نوا را «همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی به پیام آشنایی بنوازد آشنا را» ز نوای مرغ یا حق بشنو که در دل شب غم دل به دوست گفتن چه خوش است شهریارا «شهریار»



به گفته پژوهشگران، تعامل اجتماعی موجود در کتابخوانی حضوری می‌تواند به تقویت مسیرهای عصبی مرتبط با ارتباط، همدلی و فهم عاطفی کمک کند. با توجه به این شواهد و همچنین داده‌های متعدد درباره فواید مطالعه در بزرگسالی — از جمله افزایش تمرکز، هوش هیجانی و موفقیت فردی — کارشناسان بر اهمیت کتابخوانی والدین برای کودکان تأکید دارند. در همین زمینه، جیمی لینگوود و اما واردی، دو روان‌شناس بریتانیایی، در مقاله‌ای در نشریه The Conversation توصیه‌هایی کاربردی برای والدین ارائه کرده‌اند. آن‌ها نخست بر ایجاد محیطی آرام و بدون حواس‌پرتی تأکید می‌کنند و معتقدند حتی حضور تلفن همراه در اطراف، می‌تواند کیفیت ارتباط

از ۱۰ هزار کودک ۹ تا ۱۳ ساله آمریکایی را بررسی کرده است. نتایج این پژوهش حاکی از «ارتباطی قوی و مثبت میان مطالعه تفریحی در دوران کودکی و بهبود توانایی‌های شناختی، سلامت روان و دستاوردهای آموزشی در دوره نوجوانی» است. مطالعات علوم اعصاب نیز به تبیین این ارتباط پرداخته‌اند. دانشمندان با استفاده از فناوری تصویربرداری مغزی، فعالیت مغز کودکان پیش‌دستانی را هنگام شنیدن داستان بررسی کردند. نتایج نشان داد زمانی که کودکان به داستانی که از روی کتاب خوانده می‌شود گوش می‌دهند، بخش‌هایی از مغز که با درک احساسات و همدلی مرتبط است، فعال می‌شود؛ در حالی که این واکنش در مواجهه با داستان‌های مبتنی بر صفحه‌نمایش دیده نمی‌شود.

طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب مطالعات روان‌شناسی نشان می‌دهد شیوه کتابخواندن والدین برای کودکان می‌تواند نقش مهمی در شکل‌گیری علاقه مادام‌العمر آن‌ها به کتاب و مطالعه داشته باشد؛ علاقه‌ای که با بهبود سلامت روان، توانایی‌های شناختی و موفقیت تحصیلی همراه است. هرچند نقش فناوری در کاهش میزان مطالعه تفریحی میان جوانان و نوجوانان بی‌تاثیر نبوده، اما پژوهش‌ها حاکی از آن است که کاهش کتابخوانی والدین برای کودکان نیز نقش قابل‌توجهی در این مسئله دارد.

یک نظرسنجی اخیر در بریتانیا نشان می‌دهد درصد والدینی که برای کودکان پیش‌دستانی خود کتاب می‌خوانند، از ۶۴ درصد در سال ۲۰۱۲ به ۴۰ درصد در سال‌های اخیر کاهش یافته است. کارشناسان معتقدند کودکانی که در سال‌های ابتدایی زندگی از سوی والدین با کتاب و لذت خواندن آشنا نمی‌شوند، در آینده کمتر به خوانندگانی پیگیر تبدیل خواهند شد. این در حالی است که کتابخوانی صرفاً یک سرگرمی نیست. اگرچه فعالیت‌هایی مانند ورزش، هنرهای دستی یا سرگرمی‌های خلاقانه نیز مفید هستند، اما مطالعه جایگاهی متفاوت دارد؛ چراکه آثار آن فراتر از علاقه شخصی و به حوزه‌های شناختی و اجتماعی گسترش می‌یابد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند وجود کتاب بیشتر در خانه با عملکرد تحصیلی بهتر کودکان مرتبط است؛ نکته قابل‌توجه آنکه این تأثیر حتی در بهبود توانایی‌های ریاضی نیز مشاهده شده است. با این حال، فواید کتابخوانی به موفقیت در مدرسه محدود نمی‌شود. در همین راستا، یک پروژه تحقیقاتی گسترده از دانشگاه کمبریج، عادات مطالعه و روند رشد بیش

کتاب احکام نموداری نماز منتشر شد



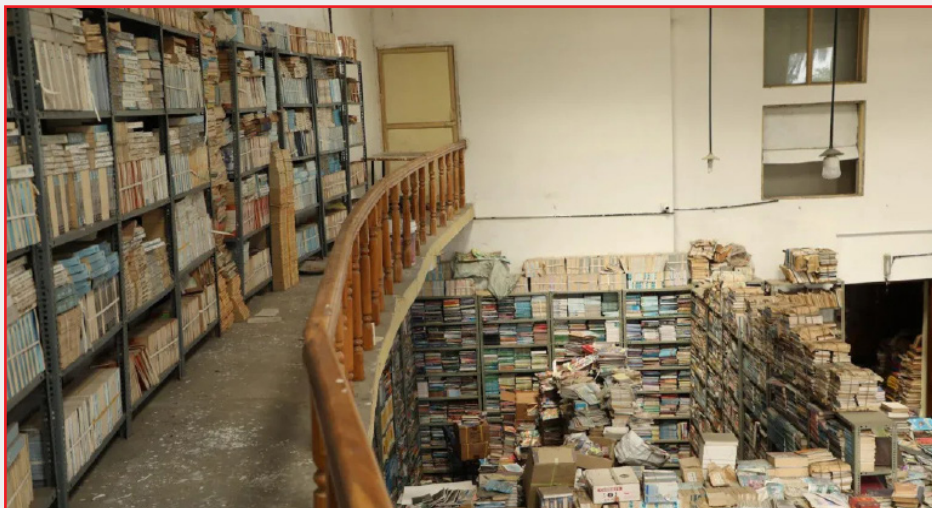
میرجعفری با سرمایه‌ای وزین از علم و دانش و با ذوقی سرشار و قریحه هنری والا تدوین شده و در هفت مجلد سامان یافته است. بیان ساده و روان و در عین حال دقیق، استوار، جامع و مستند، از ویژگی‌های کتاب حاضر است و مولف آن با این مجموعه گامی سترگ و بلند در راه ترویج احکام شرعی برداشته است. حقیر ضمن تقدیر از حضرت میرجعفری و قلم و نوشتار ستودنی وی، جوانان را به مطالعه این اثر دعوت می‌کنم و امیدوارم که در آینده شاهد دیگر آثار ارزشمند حضرت مولف جناب میرجعفری عزیز باشیم. کتاب احکام نماز که توسط کارشناسان مرکز ملی پاسخگویی به سئوالات دینی و ستاد ملی ترویج احکام دین مورد بازبینی قرار گرفته، در ۲۲۴ صفحه قطع رقعی و در هزار نسخه توسط انتشارات صلاهی صبح منتشر شده است.

آن‌ها را در تنه اصلی و شاخه‌های فرعی می‌چیند؛ به این ترتیب ارتباط مطالب روشن شده و امکان دسترسی فوری، یادآوری آسان و آموزش کارآمد را فراهم می‌کند و مطالعه فعال را به مخاطب هدیه می‌دهد. در این اثر سعی کردیم با استفاده از علائم متنوع و تغییر رنگ، خاصیت تصویری را هم بر آن بیافزاییم. در این کتاب احکام تقلید، مطهرات، نجاسات، طهارات سه‌گانه و نماز با فتاوی ۱۱ مرجع شیعه شامل آیات عظام امام خمینی(ره)، محمدتقی بهجت، میرزا جواد تبریزی، سیدعلی خامنه‌ای، سیدموسی شبیری زنجان، سیدعلی سیستانی، لطف‌الله صافی گلپایگانی، محمد فاضل لنکرانی، ناصر مکارم شیرازی، حسین نوری و حسین وحید خراسانی در نمودارهایی ارائه شده است. حجت‌الاسلام احمد عابدی از اساتید حوزه علمیه قم در مقدمه این کتاب نوشت: آنچه اکنون در دست و پیش روی مبارک شما قرار دارد اثری فاخر در موضوع بیان احکام و دستورات شرع مقدس و مطابق فتاوی مراجع معظم تقلید است که توسط عالم وارسته حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین

توسط مراجع معظم تقلید از منابع دینی استنباط و در قالب رساله عملیه نگارش شده است. وی درباره احکام نموداری نوشت: رساله به سبک فعلی برای اولین بار در سال ۱۳۳۵ هجری شمسی بر اساس فتاوی آیت‌الله العظمی بروجردی نوشته شد. این شیوه مورد استقبال همگان قرار گرفت؛ زیرا فهم عبارات فقهی ثقیل در رساله‌های قبلی برای مردم بسیار مشکل بود. به این ترتیب در طریقه رساله‌نویسی، تحولی مثبت رخ داد؛ طریقی نو که مورد استقبال قرار گرفت و باعث شد مراجع دیگر هم فتاوی خود را در قالب این رساله عملیه به مقلدان عرضه کنند. حال پس از گذشت حدود ۷۰ سال باز هم حس نیاز به یک تحول، شدت گرفته است. رساله‌ها با این حجم سنگین و اصطلاحات علمی فراوان، پاسخگوی زندگی پرسرعت و کم‌صبر کنونی نیستند و لازم است بازنویسی‌های متنوع بر اساس انواع مخاطب در متن رساله‌ها صورت بگیرد. نویسنده افزود: به نظر می‌رسد قالب نموداری که به تازگی در برخی از کتب فقهی هم استفاده شده، تا حد زیادی می‌تواند پاسخگوی این نیاز اساسی باشد؛ زیرا واژه‌های کلیدی را گلچین می‌کند و

طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب کتاب احکام نماز شامل احکام تقلید و نماز به صورت نموداری منتشر شد. کتاب احکام نماز توسط حجت‌الاسلام سیدعباس میرجعفری گردآوری شده است؛ کتابی که به اعتقاد نویسنده پس از ۷۰ سال در طریقه رساله‌نویسی باعث ایجاد تحولی شده و احکام شرعی به صورت نموداری در این کتاب ارائه می‌شود. میرجعفری در مقدمه کتاب نوشت: نماز مظهر ارتباط مستقیم انسان با خداوند متعال است. این عبادت بزرگ، فرصتی است تا نمازگزار بی واسطه و صمیمی با خالق جهان هستی سخن بگوید. انسان در طول ادای نماز، افزون بر تمرکز ذهنی و فراغت از آشفتگی‌های روزمره به آرامش روحی می‌رسد. ارتباط با خدا نمازگزار را از تنهایی نجات داده و با بندگانی مخلص در کاروان هستی همراه می‌کند. چنین تأثیرات شگرفی بر روح و جسم انسان این حکم الهی را جزو برترین عبادات قرار داده است. این فریضه الهی پر ارج دارای قواعد و آدابی است که انجام صحیح آن، شرط صحت و مقبولیت نماز است. قواعد و دستوراتی که با عنوان احکام شرعی

کارگر بازنشسته هندی کتابخانه‌ای با دو میلیون کتاب ساخت



ارشد در زبان کانادا، در کارخانه قند مشغول به کار شد و بخش بزرگی از حقوق ماهانه خود را به خرید کتاب اختصاص می‌داد. او می‌گوید: «حقوق‌ها کم بود، اما قیمت‌ها هم پایین بود».

مدرسه، پول توجیبی خود را به جای خرید غذا، صرف خرید کتاب می‌کرد. بعدها تحت تأثیر یکی از معلمانش تصمیم گرفت مجموعه‌ای برای استفاده دانش‌آموزان روستایی ایجاد کند. پس از پایان تحصیل و گرفتن مدرک کارشناسی

طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب آنکه گودا، کارگر بازنشسته یک کارخانه قند در ایالت کارناتاکای هند، طی پنج دهه تلاش بی‌وقفه موفق شده کتابخانه‌ای عظیم با بیش از دو میلیون جلد کتاب ایجاد کند؛ مجموعه‌ای که به صورت رایگان در اختیار عموم قرار دارد و او را شایسته دریافت جایزه ملی پادما شری کرده است. دو میلیون کتاب در ساختمانی وسیع، بدون دریافت هیچ هزینه‌ای، آماده امانت و مطالعه برای همه علاقه‌مندان. این گنجینه ارزشمند حاصل بیش از پنجاه سال تلاش «آنکه گودا»، مردی ۷۹ ساله از جنوب هند است که روزگاری تنها یک کارگر ساده کارخانه قند بود. او ماه گذشته به دلیل خدمات برجسته‌اش در ترویج فرهنگ مطالعه، از سوی دولت هند نشان افتخار پادما شری دریافت کرد؛ یکی از بالاترین جوایز غیرنظامی این کشور. گودا که مجموعه شگفت‌انگیزش شامل کتاب‌هایی در تمام موضوعات ممکن، از جمله نسخه‌های نایاب انجیل است، در خانواده‌ای کشاورز بزرگ شد؛ جایی که

در طول ۳۳ سال کار در کارخانه، گودا هزاران کتاب دیگر خرید و مجموعه‌اش را گسترش داد؛ تا جایی که دیگر خانه‌اش گنجایش آن‌ها را نداشت. نقطه عطف زمانی بود که یکی از خیرین محلی، پس از دیدن این مجموعه، هزینه ساخت ساختمانی بزرگ برای نگهداری کتاب‌ها را تقبل کرد. امروز کتابخانه او فضایی به وسعت بیش از ۱۵ هزار فوت مربع را در بر می‌گیرد و به یکی از مراکز فرهنگی مهم منطقه تبدیل شده است. بسیاری از استادان و دانشجویان از سراسر ایالت برای استفاده از این کتابخانه به آنجا می‌روند. هرچند مجموعه به ظاهر نامنظم است، اما گودا جای دقیق هر کتاب را می‌داند. او می‌گوید تاکنون کسی پیشنهاد استخدام کتابدار نداده و خودش به تنهایی امور را مدیریت کرده است. اکنون در آستانه ۸۰ سالگی، گودا امیدوار است دیگران راه او را ادامه دهند: «من مسئولیت خودم را انجام داده‌ام، دیگر انرژی گذشته را ندارم. حالا شاید دولت و مردم بتوانند این میراث را حفظ کنند. من تمام تلاشم را کرده‌ام، ادامه راه با دیگران است.»

برگی از تاریخ:

برگشتی در کار نیست

فرماندهی لشکر گزارش کردیم.

برگشتی در کار نیست!

قرار شد با هدایت نیروهای دیده‌بانی، توپخانه و ادوات لشکر، آتش پشتیبانی مؤثر را صبح زود از نیروهای لشکر به عمل آورد. صبح که هوا روشن شد، عراقی‌ها با آتش سنگین دست‌به‌کار شدند. این بار نه با نیروی پیاده بلکه کل ادوات مستقر خود در منطقه را متوجه دریاچه نمودند و قدم‌به‌قدم محور را با گلوله می‌زدند.

آنچه خیلی عذاب می‌داد، پرپر شدن نیروها جلوی چشم من بود و یکی از فرماندهان دسته، میرجعفری شهید شد.

فرمانده گروهان در بی‌سیم به قرارگاه گفت: بعد از این لحظه روی ما حساب نکنید، برگشتی در کار نیست.

در این لحظه تانک‌های عراقی در حال پیشروی بودند. چند تا از آر.بی.جی. زن‌ها هم شجاعانه و شهادت‌طلبانه بدون توجه به آتش سنگین دشمن به استقبال تانک‌ها رفتند و جلویشان را سد کردند و چندین تانک را نیز زدند.

تعدادی از نیروهای گروهان ویژه، شهید و مجروح شدند ولی هیچ کدام از نیروها یک‌قدم هم عقب‌نشینی نکردند. وضعیت طوری سخت شد که نه امکان داشت نیروی کمکی وارد دریاچه شود و نه نیرویی از دریاچه به عقب برگردد.

رضا درخشان به من گفت: به‌محض کم‌شدن آتش دشمن، نیروهای باقی‌مانده خودمان را بکش جلو در سمت راست کارخانه نمک به سمت دریاچه در کانال مستقر کن.

نحوه آوردن نیرو را که توضیح می‌داد و سرپا ایستاده بود، به فاصله چندمتری‌اش خمپاره افتاد. خیز رفتیم. یک‌لحظه که از جا بلند شدم، فرمانده گروهان از ناحیه

اما یگان‌های گارد نه‌تنها نتوانستند در تثبیت مواضع آزادشده تأخیر ایجاد کنند، بلکه سازمانشان نیز متلاشی شد و عقب‌نشینی کردند. ورود یگان‌های احتیاط ارتش عراق به میدان نبرد نیز مؤثر نبود و ۷۵ روز پاتک آن‌ها فقط بر آمار تلفات و خسارت‌های دشمن افزود، چندان‌که سرفرماندهی ارتش عراق به‌یقین رسید که تلاش برای بازپس‌گیری فاو به‌جایی نمی‌رسد و به‌جز انهدام یگان‌هایش نتیجه‌ای ندارد، لذا پاتک‌ها را متوقف کرد. بدین ترتیب سواحل عراق در کنار خلیج فارس و هم‌مرز باکویت، در تصرف رزمندگان ایران باقی ماند.

روایت کریم خسروی: رزمنده گروهان ویژه آر.بی. جی زن لشکر ۳۱ عاشورا

(در پنجمین شب از عملیات والفجر هشت، ۲۴ بهمن ۱۳۶۴) وقتی نیروهای عراقی را از حمله و تصرف مجدد محور کارخانه نمک ناکام گذاشتیم و به عقب‌راندیم، مشکل ما در محور کارخانه نمک، نبود جان‌پناه مناسب بود.

با دستور برادر درخشان (فرمانده گروهان)، سریع زخمی‌ها و شهدا را به اطراف امن کارخانه بردیم. درگیری که آرام شد، گلوله‌های دشمن به طور پراکنده به اطراف خاکریزها و جاده‌های مواصلاتی اصابت می‌کرد و صدای آنها در دشت می‌پیچید.

نیروهای دسته‌ها با راهنمایی فرمانده‌شان، در پشت خاکریز دوم مستقر شدند. تعدادی از آنها با هماهنگی فرمانده و با همراهی فرمانده دسته به خاکریزهای مقطعی رفتند.

حال، سخت‌ترین شرایط قابل‌پیش‌بینی، پاتکی بود که فردای آن روز و به‌محض روشن‌شدن هوا دشمن شروع می‌کرد.

ما باید خودمان را برای پاتک دشمن آماده می‌کردیم. مهمات موجود را جمع‌آوری کرده و وضعیت را به

طرح نو؛ گروه فرهنگ و هنر قرار شد با هدایت نیروهای دیده‌بانی، توپخانه و ادوات لشکر، آتش پشتیبانی مؤثر را صبح زود از نیروهای لشکر به عمل آورد. صبح که هوا روشن شد، عراقی‌ها با آتش سنگین دست‌به‌کار شدند. این بار نه با نیروی پیاده بلکه کل ادوات مستقر خود در منطقه را متوجه دریاچه نمودند و قدم‌به‌قدم محور را با گلوله می‌زدند.

عملیات والفجر ۸ با طراحی و فرماندهی سپاه پاسداران در ۲۰/۱۱/۱۳۶۴ الی ۱/۱۲/۱۳۶۴ اجرا شد. برای پشتیبانی از این عملیات، سپاه یک تک فریب در هور و یک تک پشتیبانی در ام الرصاص انجام داد.

تک فریب در هور که بیشتر بر فعالیت‌های مهندسی استوار بود، سبب غافلگیری نیروهای عراقی شد و به نیروی خودی امکان داد قبل از هویشار شدن عراقی‌ها، موقعیت خود را در منطقه فاو مستحکم سازند. همچنین تک پشتیبانی سپاه در جزیره‌ام الرصاص که به شکستن خط دشمن و آزادی این جزیره انجامید، تأثیر مهمی در پشتیبانی عملیات والفجر ۸ داشت، هرچند در این عملیات، پس از ۴۸ ساعت، بر اثر فشار دشمن، منطقه تصرف‌شده تخلیه گردید.

عملیات اصلی در فاو، درحالی‌که دشمن غافل بود، با عبور نیروهای غواص از رودخانه عریض ارونند آغاز شد و در زمانی کوتاه با گسترش سرپل گرفته‌شده، رأس البیضاء، کارخانه نمک، سایت‌های موشکی و شهر فاو تصرف شد و نیروهای خودی آماده مقابله با پاتک‌های دشمن شدند.

ازسوی‌دیگر، دشمن که در آغاز عملیات با یگان‌های موجود خود در منطقه به مقابله با رزمندگان برخاسته بود، پس از فرو ریختن مواضعش، یگان‌های گارد را به سرعت وارد نبرد کرد تا با ایجاد تأخیر، فرصت لازم را برای ورود یگان‌های احتیاط ارتش عراق فراهم آورد.



سنگ‌های قبلی خود عقب رفتند.

پس از دفع پاتک نیروهای دشمن، گروهان ویژه در سمت راست سهرای خاکریز احداث شده و گردان حضرت علی‌اکبر (ع) در خط دوم پدافندی مستقر شدند.

با اینکه رزمندگان لشکر ۳۱ عاشورا منتظر واردشدن در شب ششم عملیات (۲۵ بهمن ۱۳۶۴) بودند، پایان مأموریت لشکر از سوی قرارگاه ابلاغ شد و به‌تدریج تا عصر ۲۶ بهمن ۱۳۶۴، گردانهای حضرت امام رضا

(ع) و گروهان ویژه به موقعیت شهید اصغر قصاب در عقبه لشکر منتقل شدند و تنها گردان حضرت علی‌اکبر (ع) از لشکر ۳۱ عاشورا در خط دوم پدافندی به‌عنوان احتیاط قرارگاه نجف در منطقه ماندند. آنها نیز برای استراحت و ساماندهی در ۲۸ بهمن ۱۳۶۴ به پادگان شهید باکری بازگشتند.

منبع:

عابدی قشلاقی، مصطفی، حماسه ارونند، مرکز اسناد، تحقیقات و نشر معارف دفاع مقدس و مجاهدت‌های سپاه، مرکز حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس بسیج سپاه عاشورا، تهران ۱۴۰۴، صص ۲۶۳، ۲۶۴

شکم مجروح شده بود. یکی از نیروها خواست داد بزند که برادر درخشان مجروح شد، دستش را گرفتم و گفتم: اصلاً نیروها با این وضعیت نباید متوجه مجروح شدنت باشند که خدایی نکرده در روحیه‌شان اثر منفی می‌گذارد.

درخشان گفت: کمکم کن، خودم را بکشم داخل کانال، من را ول کن برو. هرچه نیرو هست بیار جلو. الان هم سرو کله نیروی پیاده و هم نیروی زرهی دشمن پیدا می‌شود.

من با جفیه شکمش را بستم. در این لحظه یک دستگاه بی‌ام‌بی‌بی از سمت سهرای به‌طرف دریاچه آمد. در بی‌ام‌بی‌بی باز شد، چندین نیرو پیاده شدند. درخشان دستش را بلند کرد، یکی از آنها دوید به‌طرف او. دیدم علیرضا اکبری (از پاسداران شهر گرمی و مخابرات لشکر) هست.

درخشان را کشید به‌طرف پی. ام. بی، آقای میر حجت کبیری، معاون لشکر و صمد اوغلو از نیروهای مخابرات هم بودند. بعد از انتقال فرمانده گروهان به پست امداد، با نیروهای باقیمانده در مقابل پاتک دشمن ایستادیم. با تأکید میر حجت کبیری به توپخانه و ادوات خودی، با آتش پشتیبانی، سرانجام نیروهای عراقی به

بازیگر نوجوان «سرزمین فرشته‌ها»:

کودکان غزه هم حق زندگی و آرامش دارند



طرح نو؛ گروه فرهنگ و هنر اهورا لطفی بازیگر نوجوان فیلم «سرزمین فرشته‌ها» با اشاره به مظلومیت کودکان غزه گفت که دوست دارد در آینده هم سینما را ادامه دهد.

گفت: من سینما را خیلی دوست دارم و قصد دارم در آینده هم همین مسیر را ادامه دهم. بازیگرانی مانند علی نصیریان و شهاب حسینی الگوی من هستند. فعلاً پیشنهادی در سینما ندارم اما تاکنون در ۲ فیلم سینمایی و چند سریال ترکی بازی کرده‌ام.

اهورا لطفی در فیلم «در آغوش درخت» ساخته بابک خواجه پاشا نیز ایفای نقش کرده بود.

در «سرزمین فرشته‌ها» سلاف فواخرجی، بازیگر عرب حضور دارد و در کنار او بازیگران کودک عرب، ایرانی، سوری و لبنانی چون علی ذیب، فاطمه المعصومه زریق، اهورا لطفی، محمد اسد، زهرا فاضل، فاطمه مریش، علیرضا علاو نیز حضور دارند.

این فیلم داستان مظلومیت کودکان غزه و زنی است که در بحبوحه بمباران و جنگ سعی می‌کند برای کودکان رویا

خوبی برای من داشت. آقای خواجه پاشا یکی از کارگردانان خوب سینمای ایران است و کار کردن با او افتخار بزرگی برای من است. وی درباره شناختش از بیجه های غزه عنوان کرد: «سرزمین فرشته‌ها» برای کودکان غزه است. کودکان در جنگ‌ها به صورت مظلومانه کشته می‌شوند درحالی‌که بچه‌ها اصلاً نباید درگیر دعوای بزرگ‌ترها شوند. این ناعادلانه است که کودکان به دلیل تصمیم‌های بزرگ‌ترها جانشان را از دست بدهند یا آینده‌شان تباه شود.

این بازیگر نوجوان درباره شناختش نسبت به مظلومیت کودکان غزه اظهار کرد: من پیش از ایفای نقش در این فیلم نیز نسبت به رنج و مظلومیت کودکان غزه آگاه بودم زیرا معتقدم آنها هم مانند همه انسان‌ها حق زندگی، شادی و آرامش دارند. لطفی در پایان درباره آینده‌اش در سینما

مفقودی روزنامه طرح نو
برگ‌سبز خودرو ایران‌خودرو
Taratu5p مدل ۱۴۰۱
به شماره پلاک ۱۵ ایران
۱۴۲س۵۷ شماره موتور
۱۸۷۵۰۲۹۱۲۹ شماره شاسی
NAAY114E2ND966841
به مالکیت آقای رامین محمودی
مفقود شده و از درجه اعتبار
ساقط می‌باشد.

شماره آگهی: ۲۱۲۴۶۲۷

شماره نامه: ۱۴۰۴۸۵۶۰۴۱۷۱۰۱۰۸۱۷
تاریخ ارسال نامه: ۱۴۰۴/۱۱/۲۱

آگهی موضوع تبصره یک ماده ۱۲۰ - آئین نامه قانون ثبت

بشرح سیستم جامع املاک یک قطعه خانه وضعیت خاص طلق با کاربری مسکونی به پلاک ثبتی ۳۷ فرعی از ۶۷۷۲ اصلی، مفروز و مجزاشده از فرعی از اصلی مذکور، قطعه ۳۶ واقع در بخش ۰۴ ناحیه ۰۰ حوزه ثبت ملک منطقه شمال تبریز استان آذربایجان شرقی به مساحت ۱۸۰ مترمربع بنام میرفتح موسوی اقدم فرزند میرمهدی شماره شناسنامه ۵۳۰ تاریخ تولد ۱۳۳۲/۱۱/۰۸ صادره از ورزقان دارای شماره ملی ۵۶۷۹۰۹۴۰۱۰ به جز سهم ۶ از کل سهم ۶ بعنوان مالک شش‌دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۱۱۲۰۹۳ تاریخ ۱۳۹۳/۰۸/۰۵ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۴۹ شهر تبریز استان آذربایجان شرقی، موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۷۰۴۹۴۳ سری الف سال ۹۳ که در صفحه ۱۲۵ دفتر املاک جلد ۱۹۲ ذیل شماره ۴۴۵۵، ثبت گردیده است. حال نامبرده با ارائه مدارک و برگ استنهاد

شماره آگهی: ۲۱۲۶۷۷۳

شماره: ۱۰۴/۹/۷۰۳
تاریخ: ۱۴۰۴/۱۱/۲۵

آگهی تحدید حدود اختصاصی بخش ۴۹ تبریز واقع در قریه بیچند سراب

برابر نامه شماره ۱۰۴/۹/۷۰۳-۱۴۰۴/۱۱/۲۵ نظر بر اینکه شش‌دانگ ۱ قطعه زمین مزروعی به شماره ۱۳۸۰- فرعی از ۹۳ اصلی واقع در قریه بیچند حومه ثبتی سراب بخش ۴۹ تبریز به استناد رأی شماره ۱۴۲۸۹-۳۰۴۰۳۰۴۰۰۸۱۴۲۸۹ به کلاسه ۱۴۰۱/۱۴۰۱-۱۹۸۴ قانون تعیین تکلیف مستقر در ثبت سراب آقای جلال سوازی سرایی فرزند جمال تأیید مالکیت شده و تحدید حدود آن تاکنون بعمل نیامده است لذا به استناد تبصره ماده ۱۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون قبول ثبت وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند پلاک ۱۳۸۰- فرعی از ۹۳ اصلی فوق در روز شنبه ۱۴۰۴/۱۲/۲۳ ساعت ۹ صبح شروع و به عمل خواهد آمد. لذا بدینوسیله به

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۱/۲۷

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک سراب
امین عظیمی

شماره آگهی: ۲۱۲۶۰۰۰

شماره: ۱۰۴/۹/۷۰۰
تاریخ: ۱۴۰۴/۱۱/۲۵

آگهی تحدید حدود اختصاصی بخش ۴۹ تبریز واقع در قریه شیره‌جین سراب

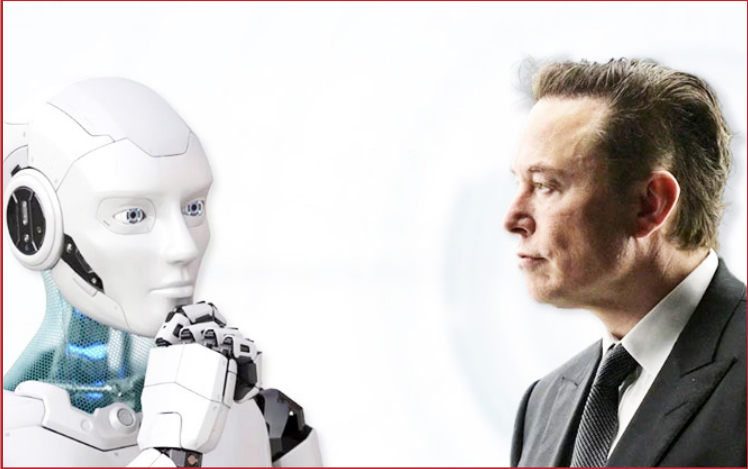
برابر نامه شماره ۱۰۴/۹/۷۰۰-۱۴۰۴/۱۱/۲۵ نظر بر اینکه شش‌دانگ ۱ قطعه زمین مزروعی به شماره پلاک ۴۹۱- فرعی از ۱۷۹ اصلی واقع در قریه شیره‌جین حومه ثبتی سراب بخش ۴۹ تبریز به استناد رأی شماره ۳۰۵۸-۳۰۵۹/۱۴۰۳-۳۰۵۸-۳۰۴۰۰۸۱۶۵۷۷ به کلاسه ۱۴۰۴/۰۶/۰۵-۶۵۷۵-۱۴۰۴۶۰۳۰۴۰۰۸۱۶۵۷۷ به کلاسه ۱۴۰۳/۰۵/۱۴۰۳-۳۰۵۸-۳۰۵۹/۱۴۰۳-۳۰۵۸-۳۰۴۰۰۸۱۶۵۷۷ تعیین تکلیف مستقر در ثبت سراب آقایان موسی و عیسی منافی شیره‌جینی فرزندان رحیم تأیید مالکیت شده و تحدید حدود آن تاکنون بعمل نیامده است لذا به استناد تبصره ماده ۱۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون قبول ثبت وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند پلاک ۴۹۱- فرعی ۱۷۹ اصلی فوق در روز سه‌شنبه ۱۴۰۴/۱۲/۱۹ ساعت ۹ صبح شروع و به عمل خواهد آمد. لذا بدینوسیله به مالکین مجاور اخطار می‌شود که در موعد مقرر

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۱/۲۷

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک سراب
امین عظیمی

یادداشتی بر توصیه جنجالی ایلان ماسک به دانشجویان؛

پایان عصر پزشکان؟



طرح نو؛ شیوا صفری
ایلان ماسک، چهره‌ای که با هر توییتش می‌تواند بازارهای جهانی را به لرزه درآورد، این بار سراغ رشته‌ی پزشکی رفته؛ حرفه‌ای که از آغاز تمدن، ستون سلامت جوامع بوده است. او در اظهارنظری جنجالی اعلام کرد: «تحصیل در رشته پزشکی دیگر فایده‌ای ندارد؛ چون ربات‌های انسان‌نما تا سال ۲۰۲۹ از پزشکان پیشی می‌گیرند!» جمله‌ای که به‌اندازه‌ی خود ماسک غیرقابل پیش‌بینی و تحریک‌برانگیز است. ماسک به «اپتیموس»، ربات انسان‌نمای شرکت تسلا، اشاره کرده و با اعتمادبه‌نفس خاص خود گفته است این ربات در آینده‌ای نزدیک عمل‌های جراحی را بی‌خطا و سریع‌تر از انسان انجام خواهد داد. او باور دارد که عصر هوش مصنوعی در پزشکی آغاز شده و انسان به‌زودی از اتاق عمل حذف خواهد شد.

اما آنچه این ادعا را به حوزه‌ی «فلسفه پزشکی» می‌کشاند، فقدان چیزی است که متخصصان از آن با عنوان «درک انسانی» یاد می‌کنند. پزشک، صرفاً مجری عمل نیست؛ او در لحظه‌های درد، اضطراب، و امید بیمار حضور دارد. زمانی که یک بیمار خبر سرطان را می‌شنود یا مادری نگران صدای گریه کودکش است، هیچ رباتی نمی‌تواند با الگوریتم همدردی کند. این همان فاصله‌ای است که میان علم و انسانیت تمایز قائل می‌شود. البته ماسک با سابقه‌ی پیش‌بینی‌های پرخطرش شناخته شده است. از وعده‌ی تسخیر مریخ گرفته تا تراشه مغزی Neuralink که قرار بود ذهن انسان را به کامپیوتر متصل کند، همه نشان داده‌اند که او در مرز خیال و واقعیت حرکت می‌کند. شاید سخنان اخیرش نه اعلام پایان پزشکی منظر ماشینی، پیشرفت قابل لمس است.

طرح نو؛ شیوا صفری
ایلان ماسک، چهره‌ای که با هر توییتش می‌تواند بازارهای جهانی را به لرزه درآورد، این بار سراغ رشته‌ی پزشکی رفته؛ حرفه‌ای که از آغاز تمدن، ستون سلامت جوامع بوده است. او در اظهارنظری جنجالی اعلام کرد: «تحصیل در رشته پزشکی دیگر فایده‌ای ندارد؛ چون ربات‌های انسان‌نما تا سال ۲۰۲۹ از پزشکان پیشی می‌گیرند!» جمله‌ای که به‌اندازه‌ی خود ماسک غیرقابل پیش‌بینی و تحریک‌برانگیز است. ماسک به «اپتیموس»، ربات انسان‌نمای شرکت تسلا، اشاره کرده و با اعتمادبه‌نفس خاص خود گفته است این ربات در آینده‌ای نزدیک عمل‌های جراحی را بی‌خطا و سریع‌تر از انسان انجام خواهد داد. او باور دارد که عصر هوش مصنوعی در پزشکی آغاز شده و انسان به‌زودی از اتاق عمل حذف خواهد شد.

اما آیا واقعاً می‌توان به این آینده چشم دوخت؟

در نگاه نخست، پیشرفت علم رباتیک و الگوریتم‌های پزشکی انکارناپذیر است. امروزه سیستم‌های هوش مصنوعی در تشخیص تصویری سرطان یا تحلیل داده‌های ژنتیکی عملکردی فراتر از میانگین انسانی دارند. دستگاه‌های رباتیک جراحی مانند داوینچی (Da Vinci Surgical System) نیز سال‌هاست با دقت میلی‌متری کار می‌کنند. بنابراین از منظر ماشینی، پیشرفت قابل لمس است.

مدارس به والدین

به عنوان کیف پول نگاه نکنند

گفت: این مهارت‌ها از جمله مواردی است که خانواده‌ها باید نسبت به آن آگاه باشند و به فرزندان خود نیز آموزش دهند. اگر پدر و مادر آگاهی لازم را داشته باشند، این آگاهی می‌تواند به فرزندان نیز منتقل شود. وی با بیان اینکه یکی از اهداف مهم انجمن اولیاء و مربیان، اجرای پروژه شماره ۴۰ نقشه راه سند تحول بنیادین است، افزود: این پروژه دربرگیرنده برنامه جامع مشارکت خانواده در امر تربیت است و ما صرفاً به دنبال مشارکت مالی والدین نیستیم، بلکه یکی از موارد مهم این است که والدین در فعالیت‌های آموزشی و تربیتی مدرسه مشارکت داشته باشند و همکاری کنند. مدیرکل انجمن اولیاء و مربیان وزارت آموزش و پرورش با اشاره به اینکه پیش‌نویس نظام جامع آموزش خانواده آماده شده و به زودی به شورای عالی آموزش و پرورش ارسال می‌شود، ادامه داد: در این نظام جامع، مشارکت والدین صرفاً به کمک‌های مالی محدود نمی‌شود. وقتی گفته می‌شود انجمن اولیاء و مربیان باید در کف مدرسه تشکیل شود، یعنی ذیل انجمن، شش کارگروه تخصصی مهارتی ایجاد خواهد شد. مدیرنژاد با بیان اینکه موضوع اصلی ما و خانواده‌ها تربیت فرزندان است، اظهار



طرح نو؛ گروه خبر
مدیرکل انجمن اولیاء و مربیان وزارت آموزش و پرورش با تأکید بر اینکه مشارکت والدین در مدرسه نباید صرفاً به کمک‌های مالی محدود شود، از نهای شدن پیش‌نویس «نظام جامع آموزش خانواده» و ارسال آن به شورای عالی آموزش و پرورش خبر داد و گفت: هدف اصلی، توانمندسازی خانواده‌ها و مشارکت مؤثر آنان در فرآیند تربیت دانش‌آموزان است. عاطفه سادات مدیرنژاد با بیان اینکه یکی از وظایف اصلی انجمن اولیاء و مربیان، آگاه‌سازی و توانمندسازی والدین دانش‌آموزان و ارتقای مهارت‌های خانواده در موضوعاتی مانند کنترل خشم فرزندان، تاب‌آوری و سایر مهارت‌های تربیتی است،

گزارش

با تاملی بر نوشته‌های «بارتولد» بررسی می‌شود:

«آذربایجان» واقعی کجاست؟

سیاسی. چنان‌که جغرافی‌دان بزرگ قرن دهم میلادی، مقدسی، در آثار خود، آذربایجان، ارمنستان و اران را سه بخش از «اقلیم چهارم» معرفی می‌کند و تأکید دارد که این مجاورت، تنها برای سهولت تقسیمات حکومتی بوده است (مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ص ۳۴۲). همچنین، به گزارش مورخ برجسته غربی کلیفورد باسورث، والیانی که از شام یا بغداد به آذربایجان اعزام می‌شدند، گاه مسئول نظارت بر ارمنستان و اران نیز بودند. این ارتباط اداری متغیر، نشانه آن است که مرزهای دقیق این نواحی در قرون نخست اسلامی انعطاف داشته‌اند، ولی این به معنای یکی بودن هویت سیاسی این مناطق نیست (Bosworth, The Islamic Dynasties, ۱۹۹۶). بنابراین، چه در متون اسلامی و چه در پژوهش‌های شرق‌شناسان، مرز آذربایجان به‌طور صریح در جنوب ارس تعریف شده است. شمال آن، یعنی ناحیه اران و شیروان، گرچه پیوند فرهنگی و مذهبی تنگاتنگی با ایران داشت، هرگز بخشی از استان آذربایجان محسوب نمی‌شد.

طرح نو؛ سردبیر
بحث درباره‌ی نام «آذربایجان» و محدوده‌ی تاریخی آن، یکی از مناقشه‌برانگیزترین مباحث هویتی و جغرافیایی در جنوب قفقاز است. امروزه کمتر کسی است که از پشتوانه‌ی تاریخی نام «آذربایجان» پرسش نکند؛ چرا که در سال ۱۹۱۸ میلادی، پس از فروپاشی امپراتوری روسیه، برای سرزمین‌هایی که بیش از یک سده پیش طی عهدنامه‌های گلستان (۱۸۱۳) و ترکمانچای (۱۸۲۸) از ایران جدا شده بودند، نامی برگزیده شد که پیش‌تر در جنوب رود ارس، در محدوده‌ی گسترده‌ای از خاک ایران، قرن‌ها با نام مبارک و زیبای «آذربایجان» وجود داشت. انتخاب نام جمهوری آذربایجان، به‌ویژه در اسناد رسمی دولت موقت تازه‌تأسیس «جمهوری دموکراتیک آذربایجان»، با شگفتی و اعتراض بسیاری از تاریخ‌پژوهان، شرق‌شناسان و ایران‌شناسان روبه‌رو شد. چرا که در تمام منابع معتبر پیشامدرن، از عهد باستان تا دوره اسلامی، نواحی شمال رود ارس هرگز «آذربایجان» نامیده نمی‌شد، بلکه با عنوان‌های اران و آلبانیا شناخته می‌گردید. از جمله دانشورانی که این تمایز را به روشنی تبیین کرده‌اند، خاورشناس نامدار روس، واسیلی ولادیمیروویچ بارتولد است؛ چهره‌ای برجسته در زمینه مطالعات ایران، قفقاز و ترکان، که آثار او هنوز هم مآخذ پژوهش‌های تاریخی معتبر در جهان به‌شمار می‌رود. در این مطلب کوتاه - هر چند شاید به نظر برخی تکراری باشد- تلاش دارم تا با تأکید بر نوشته‌های این ایران‌شناس معتبر روس، به نام واقعی مناطق قفقازی ایران که بعدها هم نام با مناطق و استان‌های شمالغربی کشور نام گرفت، بپردازم!

از آن پس، این نام جعلی در اسناد سیاسی تثبیت شد، اما در محافل علمی و دانشگاهی، نام تاریخی اران و آلبانیا همچنان در توصیف قفقاز جنوبی کاربرد یافت. در پایان باید چنین نتیجه گرفت که: بر بنیاد شواهد تاریخی و نظر ایران‌شناسان بزرگ، از جمله بارتولد، تمایز میان آذربایجان تاریخی (جنوب ارس) و اران و آلبانیا (شمال ارس) نه تنها روشن که در منابع متعدد باستانی، اسلامی و مدرن تأیید شده است. آذربایجان ایران بخشی از فلات تاریخی ماد و ایران‌زمین است؛ سرزمینی با مرکزیت تبریز و اردبیل، که در دوران ساسانی جزو ماد آرتوپیاتن به شمار می‌رفت. اما اران، همواره بخشی از دنیای قفقاز بود که گرچه از فرهنگ ایرانی تأثیر پذیرفت، هرگز هم‌هویت با آذربایجان حقیقی نبود. نام‌گذاری سرزمین شمال ارس به «آذربایجان» در قرن بیستم، سوءاستفاده‌ای سیاسی از میراث فرهنگی ایران است که هدفی جز ایجاد هم‌پوشانی هویتی با بخش جنوبی نداشت. همان‌گونه که بارتولد بیش از یک قرن پیش هشدار داد، «تاریخ را نمی‌توان با نام تازه بازنویسی کرد؛ زیرا نام‌ها حامل حافظه ملت‌ها هستند» (Barthold, ۱۹۰۳).

مستندات دقیق تاریخی بود. بارتولد در نوشته‌های خود درباره‌ی نواحی شمال قفقاز می‌نویسد: «آلبانیا در عهد باستان به تمام ناحیه‌ای اطلاق می‌شد که از دربند در شمال شرق تا تفلیس در غرب و رود ارس در جنوب امتداد داشت...» (Bartold, Historical Geography of Iran, ۱۹۰۳). او تأکید می‌کند که مورخان دوره اسلامی این سرزمین را دیگر «اران» نامیده‌اند؛ محدوده‌ای که به‌روشنی میان دو رود ارس و کورا قرار داشت. در کنار آن، از ولایت‌های دیگری چون شیروان (با مرکزیت باکو) و دربند نیز یاد می‌شود که هرگز از لحاظ سیاسی و تاریخی بخشی از آذربایجان ایران محسوب نمی‌گردیدند.

منابع و پانویس‌ها:
۱- Barthold, W. An Historical Geography of Iran. Translated by Svat Soucek. Princeton University Press, ۱۹۸۴.
۲- Bosworth, C. E. The Islamic Dynasties: A Chronological and Genealogical Handbook. Edinburgh University Press, ۱۹۹۶.
۳- مقدسی، محمد بن احمد. احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم. تصحیح دخویه، لیدن، ۱۹۰۶.
۴- مسعودی، علی بن حسین. مروج الذهب و معادن الجواهر. بیروت: دارالاندلس، ۱۹۶۵.
۵- بارتولد، واسیلی. آثار منتخب. جلد پنجم، مسکو، ۱۹۲۳.
۶- ریپکا، یان. تاریخ ادبیات ایران. ترجمه محمدنقی‌زاده، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴.
۷- مقاله «جغرافیای تاریخی و نام آذربایجان» ویژه‌نامه تاریخی، روزنامه اطلاعات، شماره ۷۵۳۴۲، ۱۴۰۲.
۸- کریستنسن، آرتور. ایران در زمان ساسانیان. ترجمه رشید یاسمی، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸.

از آن پس، این نام جعلی در اسناد سیاسی تثبیت شد، اما در محافل علمی و دانشگاهی، نام تاریخی اران و آلبانیا همچنان در توصیف قفقاز جنوبی کاربرد یافت. در پایان باید چنین نتیجه گرفت که: بر بنیاد شواهد تاریخی و نظر ایران‌شناسان بزرگ، از جمله بارتولد، تمایز میان آذربایجان تاریخی (جنوب ارس) و اران و آلبانیا (شمال ارس) نه تنها روشن که در منابع متعدد باستانی، اسلامی و مدرن تأیید شده است. آذربایجان ایران بخشی از فلات تاریخی ماد و ایران‌زمین است؛ سرزمینی با مرکزیت تبریز و اردبیل، که در دوران ساسانی جزو ماد آرتوپیاتن به شمار می‌رفت. اما اران، همواره بخشی از دنیای قفقاز بود که گرچه از فرهنگ ایرانی تأثیر پذیرفت، هرگز هم‌هویت با آذربایجان حقیقی نبود. نام‌گذاری سرزمین شمال ارس به «آذربایجان» در قرن بیستم، سوءاستفاده‌ای سیاسی از میراث فرهنگی ایران است که هدفی جز ایجاد هم‌پوشانی هویتی با بخش جنوبی نداشت. همان‌گونه که بارتولد بیش از یک قرن پیش هشدار داد، «تاریخ را نمی‌توان با نام تازه بازنویسی کرد؛ زیرا نام‌ها حامل حافظه ملت‌ها هستند» (Barthold, ۱۹۰۳).

از آن پس، این نام جعلی در اسناد سیاسی تثبیت شد، اما در محافل علمی و دانشگاهی، نام تاریخی اران و آلبانیا همچنان در توصیف قفقاز جنوبی کاربرد یافت. در پایان باید چنین نتیجه گرفت که: بر بنیاد شواهد تاریخی و نظر ایران‌شناسان بزرگ، از جمله بارتولد، تمایز میان آذربایجان تاریخی (جنوب ارس) و اران و آلبانیا (شمال ارس) نه تنها روشن که در منابع متعدد باستانی، اسلامی و مدرن تأیید شده است. آذربایجان ایران بخشی از فلات تاریخی ماد و ایران‌زمین است؛ سرزمینی با مرکزیت تبریز و اردبیل، که در دوران ساسانی جزو ماد آرتوپیاتن به شمار می‌رفت. اما اران، همواره بخشی از دنیای قفقاز بود که گرچه از فرهنگ ایرانی تأثیر پذیرفت، هرگز هم‌هویت با آذربایجان حقیقی نبود. نام‌گذاری سرزمین شمال ارس به «آذربایجان» در قرن بیستم، سوءاستفاده‌ای سیاسی از میراث فرهنگی ایران است که هدفی جز ایجاد هم‌پوشانی هویتی با بخش جنوبی نداشت. همان‌گونه که بارتولد بیش از یک قرن پیش هشدار داد، «تاریخ را نمی‌توان با نام تازه بازنویسی کرد؛ زیرا نام‌ها حامل حافظه ملت‌ها هستند» (Barthold, ۱۹۰۳).

اتحاد موقت اران با آذربایجان

بارتولد یادآور می‌شود که در تاریخ، تنها در دوره‌ای کوتاه، اتحاد سیاسی میان اران (شمال ارس) و آذربایجان (جنوب ارس) تحقق یافت. این مقطع، عصر حکومت شدادیان در قرن پنجم هجری است؛ سلسله‌ای ایرانی‌تبار در قفقاز که مرکز خود را در گنجه قرار داد و برای مدتی اران را با آذربایجان متحد ساخت. بارتولد می‌نویسد: «شدادیان گنجه را پایتخت اران کردند و برای مدت کوتاهی اران را در قلمرو آذربایجان قرار دادند، اما این اتحاد ناپایدار بود و به‌زودی هر یک از مناطق مسیر خود را پیمود» (Barthold, ۱۹۰۳, p. ۲۲۴). پس از این دوران، مرزهای طبیعی میان دو سوی ارس دوباره تثبیت گردید و اران هویت جداگانه خود را حفظ کرد. در دوره مغول، به تدریج زبان ترکی در اران، شیروان و دربند گسترش یافت و سرانجام در بخش‌های جنوبی قفقاز، نام ادبی «قره‌باغ» جایگزین اران شد. بارتولد در تحلیل زبانی خود می‌گوید:

«پس از سلجوقیان، آذربایجان و مناطق شمالی ارس به سوی ترک‌زبان شدن رفتند و پس از مغول، واژگان اران و آلبانیا جای خود را به اصطلاح ترکی قراغ‌دادند؛ از آن پس «اران» تنها در متون ادبی باقی ماند» (همان، ص

مستندات دقیق تاریخی بود. بارتولد در نوشته‌های خود درباره‌ی نواحی شمال قفقاز می‌نویسد: «آلبانیا در عهد باستان به تمام ناحیه‌ای اطلاق می‌شد که از دربند در شمال شرق تا تفلیس در غرب و رود ارس در جنوب امتداد داشت...» (Bartold, Historical Geography of Iran, ۱۹۰۳). او تأکید می‌کند که مورخان دوره اسلامی این سرزمین را دیگر «اران» نامیده‌اند؛ محدوده‌ای که به‌روشنی میان دو رود ارس و کورا قرار داشت. در کنار آن، از ولایت‌های دیگری چون شیروان (با مرکزیت باکو) و دربند نیز یاد می‌شود که هرگز از لحاظ سیاسی و تاریخی بخشی از آذربایجان ایران محسوب نمی‌گردیدند.

از آن پس، این نام جعلی در اسناد سیاسی تثبیت شد، اما در محافل علمی و دانشگاهی، نام تاریخی اران و آلبانیا همچنان در توصیف قفقاز جنوبی کاربرد یافت. در پایان باید چنین نتیجه گرفت که: بر بنیاد شواهد تاریخی و نظر ایران‌شناسان بزرگ، از جمله بارتولد، تمایز میان آذربایجان تاریخی (جنوب ارس) و اران و آلبانیا (شمال ارس) نه تنها روشن که در منابع متعدد باستانی، اسلامی و مدرن تأیید شده است. آذربایجان ایران بخشی از فلات تاریخی ماد و ایران‌زمین است؛ سرزمینی با مرکزیت تبریز و اردبیل، که در دوران ساسانی جزو ماد آرتوپیاتن به شمار می‌رفت. اما اران، همواره بخشی از دنیای قفقاز بود که گرچه از فرهنگ ایرانی تأثیر پذیرفت، هرگز هم‌هویت با آذربایجان حقیقی نبود. نام‌گذاری سرزمین شمال ارس به «آذربایجان» در قرن بیستم، سوءاستفاده‌ای سیاسی از میراث فرهنگی ایران است که هدفی جز ایجاد هم‌پوشانی هویتی با بخش جنوبی نداشت. همان‌گونه که بارتولد بیش از یک قرن پیش هشدار داد، «تاریخ را نمی‌توان با نام تازه بازنویسی کرد؛ زیرا نام‌ها حامل حافظه ملت‌ها هستند» (Barthold, ۱۹۰۳).

از اران تا شیروان و دربند

در نگاه بارتولد، منطقه اران نه هم‌مرز سیاسی آذربایجان ایران، بلکه مکمل فرهنگی قفقاز جنوبی در دوره اسلامی بود. «دربند» از سده‌های پیش از اسلام مرکز مرزبانان ایران در شمال قفقاز بود و همواره به عنوان خط دفاعی امپراتوری ساسانی شناخته می‌شد. پس از اسلام نیز، «مرزبان دربند» در منابع عربی موقعیتی ممتاز داشت و گاه وسعت قلمرو خود را تا اران و شیروان می‌رساند. در دوره‌های میانه، به‌ویژه در عهد عباسیان، سلسله شیروانشاهان که ابتدا از تبار عرب و سپس ایرانی‌شده بودند، در شرق قفقاز فرمان می‌راندند؛ بارتولد درباره آنان می‌گوید: «شیروانشاهان در آغاز عرب بودند اما در محیط فرهنگی ایرانی شمال ارس، به‌کلی ایرانی شدند و زبان و آداب ایرانی یافتند» (همان، ص ۲۳۲). این نکته از دیدگاه تمدنی حائز اهمیت است، چرا که نشان می‌دهد شمال ارس، گرچه از نظر فرهنگی زیر نفوذ ایران بود، از لحاظ سیاسی همواره منطقه‌ای جداگانه محسوب می‌شد و هویت مستقلی با نام اران داشت.

مرزهای آذربایجان تاریخی

اسناد جغرافیایی اسلامی نیز نشان می‌دهند که آذربایجان تاریخی، ناحیه‌ای بوده واقع در جنوب رود ارس؛ مرز شمالی آن ارس، مرز شرقی دریای کاسپین، مرز جنوبی آن سفیدرود، و مرز غربی تا کوه‌های زاگرس و سرزمین ماد می‌رسید. در تقسیمات خلافت اسلامی، گاه ارمنستان و اران و آذربایجان را در یک حوزه مالیاتی می‌آوردند؛ اما این صرفاً یک تقسیم اداری و مالی بود نه وحدت

خبر

سنجش سلامت بیش از ۲۱ هزار نوآموز بدو ورود به دبستان در آذربایجان غربی



طرح نو؛ گروه خبر
ریس اداره آموزش و پرورش استثنایی آذربایجان غربی گفت: تاکنون ۲۱ هزار و ۸۴۰ نوآموز مرحله ارزیابی اولیه طرح «سنجش سلامت و آمادگی تحصیلی بدو ورود به دبستان» را پشت سر گذاشته‌اند.

احمد امامی افزود: این طرح با هدف بررسی وضعیت جسمانی، بینایی، شنوایی، رشد و توانایی‌های یادگیری کودکان پیش از ورود به مدرسه اجرا می‌شود و نقش مهمی در شناسایی به موقع نیازهای آموزشی و حمایتی دانش‌آموزان دارد.

وی افزود: مراکز جامع سنجش در سطح استان از آغاز فرایند ثبت‌نام پذیرای خانواده‌ها بوده‌اند و استقبال والدین باعث شده بخش قابل‌توجهی از نوآموزان مورد ارزیابی قرار گیرند. انجام به‌موقع این سنجش، شرط اصلی ثبت‌نام قطعی در پایه اول دبستان محسوب می‌شود.

امامی با اشاره به اهمیت شناسایی زودهنگام مشکلات یادگیری و نیازهای ویژه کودکان گفت: این ارزیابی‌ها می‌تواند تأثیر مستقیمی بر موفقیت تحصیلی نوآموزان در سال‌های ابتدایی داشته باشد و از بسیاری مشکلات آموزشی در آینده جلوگیری کند. وی تأکید کرد: والدین فقط تا ۳۰ بهمن امسال فرصت دارند نسبت به ثبت نوبت اقدام کنند و این مهلت تمدید نخواهد شد. خانواده‌هایی که هنوز اقدام نکرده‌اند باید هرچه سریع‌تر از طریق سامانه sirat2.medu.ir نوبت بگیرند تا فرایند ثبت‌نام فرزندشان بدون مشکل انجام شود.

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان:

۱۰ هزار عنوان کتاب کودک در نمایشگاه کتاب آذربایجان غربی عرضه شد



رویداد صرفاً به فروش کتاب محدود نشود و به یک جشنواره فرهنگی فراگیر تبدیل شود.

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان در ادامه با اشاره به وضعیت نشر در آذربایجان غربی بیان کرد: طی سال جاری ۷۲۲ عنوان کتاب در استان به چاپ رسیده که این آمار بیانگر پویایی فضای فرهنگی و تلاش نویسندگان و ناشران بومی است. نوروزی عنوان کرد: همچنین تاکنون ۶۷۹ نویسنده،

از ساعت ۱۶ تا ۲۱ میزبان علاقه‌مندان است و تلاش شده شرایطی فراهم شود تا خانواده‌ها، دانشجویان، دانش‌آموزان و فعالان حوزه فرهنگ بتوانند با فراغ بال از این ظرفیت استفاده کنند. نوروزی خاطرنشان کرد: برنامه‌های جنبی همچون نشست‌های نقد و بررسی کتاب، دیدار با نویسندگان، رونمایی از آثار جدید و اجرای برنامه‌های فرهنگی برای کودکان نیز در حاشیه نمایشگاه پیش‌بینی شده تا این

طرح نو؛ گروه خبر
مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان غربی گفت: در هفدهمین نمایشگاه کتاب استان حدود ۱۰ هزار عنوان کتاب در این حوزه ارائه می‌شود تا فرهنگ مطالعه میان نسل آینده تقویت شود. علیرضا نوروزی، در حاشیه بازدید از نمایشگاه سراسری کتاب ارومیه در گفتگو با خبرنگاران با اشاره به برگزاری هفدهمین نمایشگاه کتاب استان اظهار کرد: در این دوره از نمایشگاه، نگاه ویژه‌ای به حوزه کودک و نوجوان شده و یک طبقه کامل به عرضه آثار این گروه سنی اختصاص یافته است.

وی عنوان کرد: از مجموع ۲۵ هزار عنوان کتابی که در این رویداد فرهنگی ارائه می‌شود، حدود ۱۰ هزار عنوان در حوزه کودک و نوجوان است که نشان‌دهنده توجه جدی به تقویت زیرساخت‌های تربیتی و فرهنگی نسل آینده است.

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان غربی افزود: این بخش علاوه بر کتاب‌های آموزشی و داستانی، شامل آثار خلاقانه، مهارت‌محور و متناسب با نیازهای روز مخاطبان کم‌سین‌وسال نیز می‌شود.

وی با بیان اینکه نمایشگاه کتاب امسال در تالار وحدت ارومیه برگزار می‌شود، گفت: این رویداد از ۲۳ تا ۳۰ بهمن‌ماه از ساعت ۹ تا ۱۳ و در نوبت عصر

مدیرکل ارتباطات و فناوری اطلاعات استان:

۴۳ هزار منزل و کسبوکار آذربایجان غربی به فیبر نوری متصل شدند

امیدواریم شاهد رشد چشمگیر در تقاضای دریافت این خدمت از سوی خانواده‌ها باشیم.

مدیرکل ارتباطات آذربایجان غربی تصریح کرد: پروژه فیبر نوری در ۱۰ شهر استان به بهره‌برداری رسیده و در ۶ شهر دیگر با پیشرفت بیش از ۶۰ درصد در حال اجراست.

وی با اشاره به توسعه اینترنت پرسرعت در روستاها به موازات اجرای طرح فیبر نوری در شهرهای استان، گفت: در طول فعالیت دولت چهاردهم، ۲۳۹ روستا به این خدمت دسترسی پیدا کرده‌اند و تاکنون ۸ هزار و ۵۷۰ میلیارد ریال برای اجرای این طرح هزینه شده

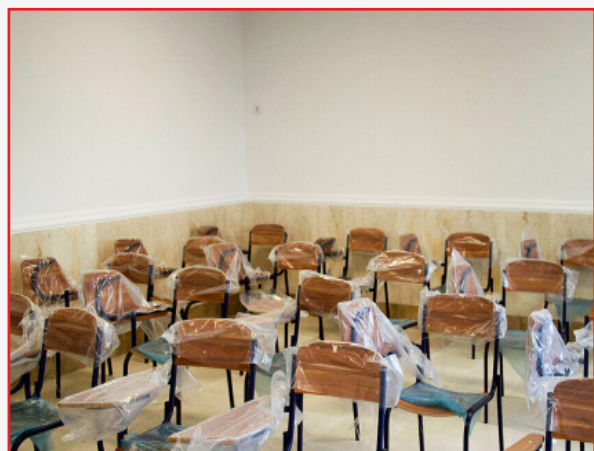


طرح نو؛ گروه خبر
مدیرکل ارتباطات و فناوری اطلاعات آذربایجان غربی با اشاره به اجرای موفق طرح فیبر نوری برای منازل و واحدهای تجاری در استان و ادامه آن تا پوشش کامل استان، گفت: تاکنون ۴۳ هزار خانه و کسبوکار به این شبکه متصل شده‌اند.

قاسم جلیلی‌نژاد افزود: با این آمار، استان آذربایجان غربی رتبه سوم کشوری را در بین ۳۱ استان به دست آورده است.

وی ادامه داد: هم‌اکنون ۸۱ درصد جمعیت خانواری استان تحت پوشش شبکه فیبر نوری قرار دارند و

اختصاص ۵۰۰ میلیارد ریال اعتبار برای تجهیز مدارس شاهین‌دژ و تکاب



طرح نو؛ گروه خبر
نماینده مردم شاهین‌دژ و تکاب در مجلس شورای اسلامی گفت: ۵۰۰ میلیارد ریال اعتبار ویژه برای تکمیل، تجهیز و نوسازی مدارس شهری و روستایی این دو شهرستان اختصاص یافت. حجت‌الاسلام محمد میرزایی افزود: این اعتبار در پی مکاتبه با مدیرعامل سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران (ایمیدرو) و با هدف ارتقای زیرساخت‌های آموزشی و بهبود فضاهای تحصیلی دانش‌آموزان منطقه در نظر گرفته شده است. وی اضافه کرد: طبق دستور مدیرعامل ایمیدرو مقرر شده است ۲۰۰ میلیارد ریال در سال ۱۴۰۴ به آموزش و پرورش آذربایجان غربی تخصیص یابد تا در اختیار ادارات آموزش و پرورش شهرستان‌های شاهین‌دژ و تکاب قرار گیرد. نماینده مردم شاهین‌دژ و تکاب در

مجلس شورای اسلامی ادامه داد: همچنین ۳۰۰ میلیارد ریال از این اعتبار برای سال آینده پیش‌بینی شده است که در راستای تکمیل، تجهیز و نوسازی فضاهای آموزشی هزینه می‌شود. حجت‌الاسلام میرزایی با تأکید بر اهمیت توسعه عدالت آموزشی اظهار کرد: حمایت از آموزش و

پرورش و ارتقای کیفیت فضاهای آموزشی از نیازهای منطقه بوده و در سال‌های گذشته نیز اقدامات متعددی برای بهبود شرایط تحصیل دانش‌آموزان و استاندارسازی مدارس این منطقه انجام شده است. شهرستان‌های شاهین‌دژ و تکاب از جمله شهرستان‌های محروم جنوب آذربایجان غربی به شمار می‌روند.

مدیرکل حفاظت محیط زیست آذربایجان غربی:

«برداشت غیرمجاز آب» خطری که بیخ گوش دریاچه ارومیه نشست



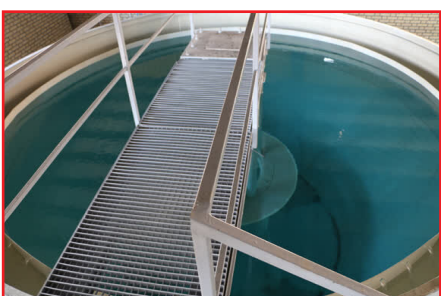
طرح نو؛ گروه خبر
مدیرکل حفاظت محیط زیست آذربایجان غربی با تأکید بر لزوم صیانت از حق‌آبه دریاچه ارومیه گفت: در شرایطی که فصل کشاورزی و آبیاری به پایان رسیده، هرگونه برداشت آب ممانعی جدی برای تحقق حق‌آبه این دریاچه به شمار می‌رود. حجت جباری در جریان بازدید از سردهنه‌های انهار کشاورزی منشعب از رودخانه باراندوز در ارومیه و رودخانه گدار در شهرستان نقده افزود: با توجه به قرار داشتن در فصل غیرزراعی، انتظار می‌رود تمامی سردهنه‌ها بسته بوده و از هرگونه برداشت غیرمجاز جلوگیری شود.

مدیرکل حفاظت محیط زیست آذربایجان غربی گفت: بارندگی‌های اخیر در حوضه آبریز دریاچه ارومیه موجب افزایش جریان آب رودخانه‌های منتهی به این دریاچه شده و فرصت مناسبی برای تأمین حداکثری حق‌آبه فراهم کرده است. وی با قدردانی از اقدامات شرکت آب منطقه‌ای آذربایجان غربی در انسداد سردهنه‌های کشاورزی در فصل غیرزراعی، خاطرنشان کرد: برداشت‌های غیرمجاز آب، یکی از موانع جدی در مسیر تحقق

کامل حق‌آبه دریاچه ارومیه به شمار می‌رود و تداوم این روند، احیای این زیست‌بوم ارزشمند را با چالش مواجه می‌کند. جباری با تأکید بر نقش مشارکت مردمی خاطرنشان کرد: کشاورزان و جوامع محلی حاشیه رودخانه‌ها می‌توانند با عدم برداشت آب و بسته نگه داشتن

مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب شهرستان خوی خبر داد:

تولید ۲۷ میلیون متر مکعب آب شرب در خوی



امسال بیش از ۱۲ کیلومتر از شبکه فاضلاب شهر خوی شستشو و بازسازی شده است.

پروژه‌های توسعه‌ای و بهسازی شبکه‌های آبرسانی، نقش مهمی در بهبود شرایط آبرسانی و کاهش مشکلات مرتبط با تأمین آب شرب دارد.

وی همچنین گفت: در راستای بهبود شرایط بهره‌برداری و افزایش کارایی سیستم فاضلاب شهری،

آب در شهرستان خوی، افزود: هدف ما تأمین منابع آبی برای پاسخگویی به نیازهای شهروندان در تمامی فصول سال است.

وی افزود: با توجه به نیاز بیشتر به منابع آبی، شرکت آب و فاضلاب خوی در راستای

تأمین پایدار آب شرب، برنامه‌ریزی‌های گسترده‌ای را برای تولید و توزیع آب شرب سالم و کافی انجام داده است.

پاشایی همچنین اظهار کرد: با توجه به شرایط جوی و کمبود منابع آب در برخی مناطق، این اقدام در کنار

طرح نو؛ گروه خبر
مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب شهرستان خوی گفت: از ابتدای سال جاری، بالغ بر ۲۷ میلیون مترمکعب آب شرب در شهرستان تولید شده است. تقی پاشایی با اشاره به ثبت ۱۰۳۴ هزار مشترک

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: دکتر محمدرضا ربانی
آدرس تبریز: خیابان امام - مابین چهارراه منصور و میدان ساعت - جنب مسجد کبود
مجتمع تجاری ابریشم - طبقه اول - واحد شماره ۹ شماره تماس: ۳۵۲۴۱۹۵۲
آدرس ارومیه: ابتدای خیابان سرداران ۱- پ ۲۲- طبقه ۳- واحد ۱۱
تلفکس: ۰۴۴-۳۲۲۴۸۵۸۸
لینتوگرافی و چاپ: شاخه سبز

طرح نو

رتبه ۳ در طرح رتبه بندی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

دوشنبه ۲۷ بهمن ماه ۱۴۰۴ - سال نوزدهم - شماره ۳۵۰۴

پیامبراکرم (ص)

غافل ترین مردم کسی است که از دگرگونی دنیا
از حالی به حالی دیگر - پند نگیرد

خبر

شهردار منطقه ۲ تبریز تأکید کرد:

تداوم عملیات مسقف سازی گلزار شهدای وادی رحمت



طرح نو؛ گروه شهری
شهردار منطقه ۲ تبریز از تداوم عملیات تکمیل تاسیسات مکانیکی پروژه مسقف سازی گلزار شهدای وادی رحمت خبر داد.
عباس هاشمی با اعلام این خبر گفت: پروژه مسقف سازی گلزار شهدای وادی رحمت از پروژه های فرامنطقه ای در مرحله تکمیل تاسیسات مکانیکی و پیشرفت فیزیکی رو به رشد ۸۵ درصدی توسط معاونت فنی و عمرانی منطقه ۲ بدون وقفه در حال اجرا است.
شهردار منطقه ۲ افزود: مسقف سازی گلزار شهدای وادی رحمت با اعتبار اولیه ۱۵۵ میلیارد تومان در مرحله بازسازی و بهسازی سقف و پوشش دیواره ها به اتمام رسیده و این پروژه در حال تکمیل تاسیسات برقی و مکانیکی است.
هاشمی، همچنین درباره سایر مراحل عمرانی برای اجرای پروژه مسقف سازی گلزار شهدای وادی رحمت از مناسب سازی و همسطح سازی اطراف قبور مطهر شهدا، نورپردازی، تأمین روشنایی و نصب نیمکت برای تکمیل این پروژه نیز نام برد.
به گفته شهردار منطقه ۲، ادای احترام به روح مطهر شهدای والا مقام و تکریم خانواده های معزز شهیدان از مهمترین اهداف ساماندهی گلزار شهدای وادی رحمت به شمار می آید.

شهردار خبر داد:

پیش بینی جابه جایی روزانه ۱۹۲ هزار نفر با راه اندازی نخستین تراموای شهری کشور در تبریز



متهی می شود.
به گفته شهردار تبریز، ایستگاه های این خط شامل فرودگاه، ترمنال حجاج، پارک بزرگ، میدان آذربایجان، سرداران فاتح، استاد جعفری، بهار، آخونی، نصف راه، رسالت، لاله، منظره، ابوریحان، نظامی گنجوی، طالقانی، ارتش، حافظ، مارالان، گلگشت، آبرسان، هفت تیر، بیلاکوه، یوسف آباد و پاسداران خواهد بود.
هوشیار در ادامه با اشاره به ظرفیت ناوگان افزود: در مرحله نخست، ۲۰ رام تراموای سه واگنه به طول ۳۵ متر و عرض ۲.۵ متر در این خط به کارگیری خواهد شد. هر رام قابلیت جابه جایی ۳۰۰ مسافر را دارد و با هدوی ۶ دقیقه ای، ظرفیت جابه جایی روزانه ۱۹۲ هزار نفر و سالانه حدود ۶۹ میلیون نفر پیش بینی شده است.
وی خاطرنشان کرد: حداکثر سرعت ناوگان ۷۰ کیلومتر در ساعت و سیستم تأمین انرژی آن ۷۵۰ ولت جریان مستقیم (DC)

طرح نو؛ گروه شهری
شهردار کلاشهر تبریز از آغاز قریب الوقوع عملیات اجرایی خط ۴ متروی تبریز به عنوان نخستین تراموای شهری کشور خبر داد و اعلام کرد این پروژه راهبردی طی روزهای آینده وارد فاز اجرایی خواهد شد.
یعقوب هوشیار با اعلام این خبر اظهار داشت: خط ۴ متروی تبریز با رویکرد توسعه حمل و نقل پاک، کاهش بار ترافیکی و ارتقای کیفیت زیست شهری، در آستانه آغاز عملیات اجرایی قرار دارد و با اجرای آن، تبریز پیشگام راه اندازی نخستین تراموای شهری کشور خواهد بود.
وی با تشریح مشخصات فنی پروژه گفت: این خط به طول ۱۹ کیلومتر رفت و برگشت طراحی شده و شامل ۲۴ ایستگاه همسطح است. مسیر از فرودگاه آغاز و پس از عبور از میدان و بلوار آذربایجان، سرتاسر بلوار آزادی، آبرسان و یوسف آباد، به پاسداران

گزارش

حراج آبرو در کاسه گدایی؛ شهرت شهر بدون گدا در معرض خطر

آسیب های ناشی از آن به خبرنگار مهر می گوید: تکدی گری تأثیرات چشمگیری بر چهره شهرها دارد و اغلب احساسات منفی و ناراضی را در میان شهروندان ایجاد می کند که مهمترین آن، تضعیف احساس امنیت و آرامش شهری است؛ به طوری که وجود متکدیان در خیابان ها، پارک ها و مناطق شلوغ باعث می شود تا برخی از شهروندان احساس ناامنی و ناراحتی کنند. او ادامه می دهد: بسیاری از متکدیان به شکل های مختلف به رهگذران نزدیک می شوند و این تعاملات ناخواسته می تواند برای شهروندان حس ناراحتی و حتی تهدید به همراه داشته باشد.

او تأکید می کند: این پدیده علاوه بر آسیب های اجتماعی، چهره بصری شهر را هم بر هم می زند، حضور متکدیان در مراکز شهر، خیابان های اصلی و مکان های گردشگری، منظره ای فقر و محرومیت را به نمایش می گذارد که با هویت یک شهر مدرن و توسعه یافته در تضاد است.

رمضانی خاطرنشان می کند: تبریز، زمانی به شهر بدون گدا معروف بود اما این روزها در گوشه و کنار شهر می توان کودکان کار و متکدیان را دید که با اسپند دود کردن یا با هر بهانه ای به دنبال کسب درآمد هستند؛ حتی برخی از این افراد درآمد میلیونی هم دارند.
او یادآور می شود: تکدی گری به نوعی چرخه ای از فقر و آسیب های اجتماعی را در شهرها تقویت می کند. بسیاری از متکدیان از حمایت ها و آموزش های لازم برای خروج از این وضعیت محروماند و به همین دلیل، تداوم حضور آنها در خیابان ها باعث گسترش آسیب های اجتماعی دیگری مانند اعتیاد، خشونت و حتی جرایم خرد می شود.
این جامعه شناس ادامه می دهد: برای مقابله با این پدیده اجتماعی، نیاز به هم افزایی و هم کاری بیشتر میان نهادهای مختلف اجتماعی و شهری وجود دارد. یکی از اقدامات کلیدی در این زمینه، جمع آوری و هدایت متکدیان به مراکز حمایتی است که در آن ها بتوانند خدمات بهداشتی، روانشناسی و حتی شغلی دریافت کنند. در این زمینه، شهرداری تبریز، نیروی انتظامی، سازمان بهزیستی و دیگر نهادهای مرتبط، با همکاری یکدیگر تلاش می کنند تا متکدیان را از خیابان ها جمع آوری کرده و به مراکز ویژه ای برای درمان و حمایت های اجتماعی هدایت کنند. تکدی گری، تنها نشانه ای از فقر یا سوء استفاده نیست؛ بلکه چالشی است برای مسئولیت پذیری و آگاهی جامعه. با نگاهی دقیق تر به این پدیده می توانیم بفهمیم که چالش های پیچیده اجتماعی و اقتصادی، به پاسخ هایی ساده نیاز ندارند. تا زمانی که ریشه های تکدی گری از بی توجهی مسئولان تا نبود آگاهی عمومی مورد توجه قرار نگیرد، خیابان های شهر همواره میزبان این چهره های خسته و زنجیده خواهد بود. / مهر

متکدیان شهر به خبرنگار مهر می گوید: فراز و فرود جمعیت متکدیان، تابع شرایط عمومی کشور و شرایط اختصاصی مناطق است؛ شرایط عمومی همان شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است و شرایط منطقه ای هم جابجایی جمعیتی و شرایط فرهنگی و اقتصادی است.

او ادامه می دهد: آمار تا در کوتاه مدت نشان دهنده افزایش متکدیان تبریز نیست و تبریز همچنان با فاصله، جزو شهرهای دارای کمترین متکدیان است و همچنان حساسیت به دلیل سابقه تاریخی و اجتماعی در این شهر وجود دارد.
او خاطرنشان می کند: امسال ۱۴۰ مورد جمع آوری متکدیان را در شهر را توسط شهرداری داشتیم و موسسه حمایت از مستمندان نیز مجوز دارد تا متکدیان را با گشت های خود از سطح شهر جمع آوری کند؛ برخی از این افراد واقعاً نیاز به حمایت اجتماعی وجود دارند که در موسسه تحت پوشش قرار می گیرند و افرادی که شهرداری جمع آوری می کنند، در یک مرکز جمع آوری می شوند.

رشدی تأکید می کند: ساماندهی متکدیان به این شکل است که قانون یک سری وظایف را اعلام کرده و افرادی که به این کار مرتکب می شوند، در سامانه ثبت و اگر تکرار کنند، تحت تعقیب قضایی قرار می گیرند. اما اینکه برای همه پرونده تشکیل دهیم وجود ندارد و در حال حاضر امکانات نسبی برقرار است، اما تأثیر آن را باید بررسی کنیم.
او یادآور می شود: هیچ گاه تعداد متکدیان تبریز صفر نبوده، اما باتوجه به جمعیت تعداد صفر است و همچنان معتمد باتوجه به شرایط اقتصادی کشور و عمومی جامعه می توان تبریز را شهر بدون گدا نامید.

به دلیل موقعیت اقتصادی و اجتماعی، این شهر مورد توجه است و تاکنون اقدامات خوبی انجام شده و نباید اجازه دهیم این ویژگی تبریز مخدوش شود.
این عضو شورای شهر تبریز می گوید: زمینه برای تکدی گری باید از بین برود و عدالت شهری محقق شود و هیچ خانواده ای احساس نیاز نکند که این کار را انجام دهد و با افراد کلاهبردار و اخاذ هم برخورد شود تا زنجیره و چرخه کامل شود و جرم انگاری محسوب شود.

او ادامه می دهد: باید برای این افراد محکومیت صادر شود تا ساماندهی انجام شود، اما مجموعه های مدیریت شهری وظیفه دارند، از افرادی که به دلیل فقدان درآمد و نابرابری به این کار روی آورده اند، حمایت کنند.

تکدی گری، چرخه ای از فقر و آسیب های اجتماعی را در شهرها تقویت می کند

زهره رضانی، جامعه شناس در خصوص پدیده تکدی گری و



پوشانده و به جز غم و اندوه چیز دیگری از چهره او پیدا نیست، رویه رو می شوم.
برای هم صحبت شدن با او ابتدا اسکناس ۱۰۰ هزار تومانی به او می دهم که چشمانش برق می زند و از شکلاتی که در دست دارم به او تعارف می کنم و در نهایت با تلاش فراوان سر صحبت را با او باز می کنم.
او می گوید: همسرم بر اثر تصادف قطع نخاع شده و دو بچه دبستانی دارم، درآمدی نداریم تا چند ماه قبل در کارخانه ای کار می کردم اما به دلیل تعدیل نیرو اخراج شدم و از سر اجبار به سمت تکدی گری رفتم.
او با اندوه فراوان ادامه می دهد: من این شغل را دوست ندارم و کودکاتم از اینکه مادرشان گداست، خجالت می کشند؛ از صبح تا شب با این پول هایی که مردم می دهند، فقط می توانم کمی از مایحتاج زندگی را برای فرزندانم بخرم و از تأمین بسیاری از مایحتاج آنها عاجزم.

او خاطرنشان می کند: هیچ کس راضی به گدایی نیست اما من مجبورم؛ گاهی در خانه مردم کار می کنم اما این کار دائمی نیست گاهی هم وقتی صاحب کارها از وضعیتم با خبر می شوند، مرا طرد می کنند.

تبریز به نسبت جمعیت خود همچنان جزو شهرهایی با کمترین گدا است

روح اله رشدی، عضو شورای شهر تبریز در خصوص وضعیت

تعداد این افراد کم نیست، افرادی که با سود جویی به دنبال کسب درآمد هستند و حلال و حرامش برایشان فرقی ندارد.
ابراهیم حسینی، یکی از شهروندان تبریز است، او در خصوص متکدیان به خبرنگار ما می گوید: قبلاً متکدی در شهرمان نبود و تبریز را به شهر بدون گدا می شناختم، اما این روزها تعداد آنها افزایش یافته است.

او ادامه می دهد: یکی از آنها هر هفته به مغازه من می آید و من نیز به او کمک می کنم، مهم نیت ماست، اینکه واقعاً نیازمندند یا خیر به وجدان خود آنها بستگی دارد.

زهره بایرام زاده، یک شهروند تبریزی نیز به خبرنگار مهر می گوید: تا چند سال قبل اگر گدایی را می دیدم به او کمک می کردم اما این روزها تمامی کمک های خود را از طریق سامانه کمیته امداد انجام می دهم، واقعیتش به درست بودن آنها اطمینان ندارم و نمی دانم واقعا از سر نداری به این کار روی آورده اند یا واقعا شغل آنهاست.

بخش دوم؛ افرادی که از سر بیچارگی دست نیاز دراز می کنند

اما در میان برخی از این افراد سودجو، تعدادی نیز واقعا از سر نداری به این کار روی آورده اند؛ برای درک عمیق تر این مسئله، سری به خیابان های شلوغ مرکز شهر می زنم؛ جایی که چهره های پیر و جوان، کودک و بزرگسال، از نیاز و ناچاری سخن می گویند. در میانه مسیری که پیش گرفته ام با زنی لاغر اندام که صورتش را

طرح نو؛ گروه شهری
مغازه داری مشغول فروختن اجناسش است، زن میانسالی در را باز کرده و وارد می شود و درخواست کمک مالی می کند، هیچکس اهمیتی به او نمی دهد و این اتفاق تکرار می شود.
پشت چراغ قرمز ایستاده ام، زنی شیشه اتومبیل را می گوید، شیشه را پایین می کشم، درخواست پول می کند، اما من اعتقادی به این افراد ندارم و پاسخی نمی دهم، سراغ اتومبیل بعدی می رود و درخواست پول می کند، یک اسکناس ۱۰ هزار تومانی به او می دهد، این کار را ادامه می دهد و در حدود ۶۰ ثانیه چراغ قرمز، ۶۵ هزار تومان کاسب می شود. چراغ سبز شده و رد می شوم، او همچنان پشت چراغ ایستاده و تکدی گری می کند.

این اتفاق روزانه در نقاط مختلف شهر تبریز رخ می دهد، شهری که روزی به به شهر بدون گدا معروف بود، اکنون در پشت چراغ قرمزها، آرامستان ها و خیابان ها، کودکان کار و متکدی ها مشغول درآمدزایی هستند؛ اگر چه تعداد آنها به نسبت دیگر شهرهای کشورمان کم است، اما در دل شلوغی و جنب و جوش تبریز، جایی که زندگی شهری با سرعتی بی وقفه در جریان است، پدیده ای نگران کننده است.

گدایی به عنوان یک آسیب اجتماعی و هم به عنوان یک جرم شناخته می شود که پیامدهای ناخوشایندی دارد که طبق قانون، شناسایی و جمع آوری متکدیان از معابر و محلات به شهرداری سپرده شده است که باید با همکاری نیروی انتظامی انجام شود. این رخداد از جرایمی است که با یک بار انجام دادن اتفاق نمی افتد و به اصطلاح آنی نیست، به عبارت دیگر جرم تکدی گری از جمله جرایم استمراری است و با چند بار انجام دادن محقق می شود.
اکنون تکدی گری به روشی برای کسب درآمدهای میلیونی تبدیل شده است که شیرینی این درآمد بی دغدغه، موجب شده تا تکدی گری به امری سازمان یافته و گروهی بدل شود و افراد با شگردهای مختلفی چون استفاده از عروسک به جای نوزاد، اجاره نوزادان، معلول نمایی، مسافر و غریب نمایی، قصد جرمیسمار کردن احساسات شهروندان برای پر کردن کیسه خود را کرده و در این مسیر موفق نیز می باشند.

بخش اول؛ متکدیان سودجو

چند روز پیش دختری را دیدم که حدود ۳۱، ۳۲ سال داشت حدود چهار ماه گذشته هم او را دیده بودم، از من درخواست پول کرده بود، به بهانه این که دانشجوی شهرستان دیگری است و کیف پول او را زده اند و پول برگشت به شهرش را ندارد، من هم فریب خوردم و ۱۰۰ هزار تومان به او دادم، مجدداً او را دیدم و باز هم همان سخنان را گفتم، با عصبانیت به او گفتم خجالت نمی کشی و با پر رویی تمام گفت به تو ریغی ندارد.